

سند هجری

سند سی و دو

اسیاء عزل کردن عمر بن هبیره والی کوفه و بصره و خراسان سعید والی خراسان را که در سغد میزند بود و نصب کردن سعید بن عمرو الحارثی از بنی حارث بن کعب بن ربیع بن عامر بن صعصعه بجای او که این معنی اسباب خوف و هراس اهل سغد شد فاطمات مجاهد و عطا و خالد بن سعدان فطیه حصر با بوبره بن ابوموسی اشعری فاضی کوفه فوت شعبی بقولی و فاطمه بنت عبدالرحمن بن سعید ذراة الانصار

سند هجری

سند سی و سه

اسیاء نوبه سعید الحارثی والی خراسان بجای اهل سغد و عبو از جیون و مقاتله یا انها که پس از صلح با زبیر کدورت و قتل فراهم آمد سعید حکم کرد سوای بخار که از این حکم معاف اند سایر سغد بهار را با کلبه طعمه شمشیر کنند و خبر این فتح را بجای اینکه عمر بن هبیره بنویسد بیزید بن عبدالملک نوشت این فقره اسباب بخشش و کینه عمر بن هبیره گردید با کلبه را بنسب سعید حارثی زرنج و کس و نسف از بلاد ترکستان بگرفت و سلمان ابی السری را بر امر حروب خراج ابنو لایه کاشت و سلطان ایشان را که سبغری نام داشت بخراسان آورده بکشت و بر دار زد و در عساکر اسلام بر بلاد خزر و معاوینت اهل فجقاق طایفه خزر را و مقاتله انبساطی با عساکر اسلام در مرج الحجاره و غلبه انها بر مسلمین و فرار مسلمین پس از نهبا موال انها و آمدن نزد بیزید بن عبدالملک که وی جراح بن عبدالله الحکمی نجیب خرمامور کرد و جراح در باب ابواب با طایفه خزر جنگ کرده فتح نمایی نمود و لادت ابو العباس عبدالله بن محمد بن علی بن محمد بن علی که سقاج باشد در ربیع الاخر عزل کردن عمر بن هبیره سعید الحارثی را از خراسان و نصب سعید بن اسلم بن زرعه الکلابی بجای او و فاطمات عبدالرحمن بن جهان بن ثابت انصار و فاطمات عامر بن سعید بن ابی قاص

سند هجری

سند سی و چهار

اسیاء خروج مردی معروف به عصفان بیزید بن عبدالملک که بدلا لث برادر بیزید بن عبدالملک مخالفت کرد خروج مستوفی ابن نبی العبدی در بصره بر اشعث بن عبدالله جارو و کشته شدن او و خروج هلال بن مدیح که بعد از مسعود رئیس خوارج شد و مقبول شدن او و پس از آن خوارج با در خرد و لث بیزید بن عبدالملک که در هین سال با شد در خلا هشام ثقیل رسیدند و فاطمات بیزید بن عبدالملک را و اخر شعبان در چهل پاسی و پنجسالگی که مدت خلافتش نهمین چهار سال و یکماه بود خلافت هشام بن عبدالملک عزل کردن عمر بن هبیره را و نصب نمودن خالد بن عبدالله قری را بجای او و مراجعت بکربن ماهان از سنده که با چندین عبدالرحمن در این ملک بود چون چند عزل شد و عود کرد بکربن مراجعت کرده بکوفه آمد و قصه دعوت برای عباسیین را شنید شاد شد و نزد محمد بن علی آمد و بصره داعی عباسیین و فاطمات کرده بکربن ماهان فایم مقام وی کرد بدجنگ خراج حکمی در اللان و بلخ و ان نواحی و فتح بعضی از آن بلاد و نیل غنایم کثرت بخار به مسلمین سعید کلابی حکمران خراسان با اهالی ترکستان که اثر او را نغابت کرده و او به نیل مقصود بازگشت و فاطمات کثرت عمر امر و با جنگ سعید بن عبدالملک بار و مهیا که نتیجه خوبی نداشت

سند هجری

سند سی و پنج

اسیاء وقوع محاربه مابین عباسی و مضرب در بردگان از ارض بلخ بسبب اینکه مسلمین سعید والی خراسان عزیمت جنگ کرده بود و جمعی از همراهان او تخلف کرده از آنجمله بخیر بن درهم بود و مسلم نصر بن سپار و بعضی را بلخ منزل داد که مردم را با همراه سازند نصر در بخانه بخیر بن زبید بن طرف یا هلی را بسوزانید و این فقره موجب ظهور فتنه

و بر این مضمون

کردید که اخرا لامر غلبه نصر را بود عبور مسلم بن سعید از کوه و رسیدن بخوار که در اینجا نام خالد بن
عبدالله بوی رسید که از خراسان معرزلست و با عجلاد دست از حرب کشیده با پلما و امثال کرده مراجعت نمودن
فتون خاقان در مراجعت موجه او کرد بد صد مصلی طراهان او وارد آوردند و مسلم فرار داشت و در راه پیموده تا چون
رسید و عبور کرد و پسر خاقان نا حوالی چون او را غایت نمود و آلی نمودن خالد بن عبدالله برادر خود اسد را بر خراسان
حکومت جزین یوسف بن یحیی بن حکم بن ابی العاص در موصل از جانب هشام و عمارت معروف بنا و منفوش در موصل از
بناهای و بوده است نه که از میان موصل بکن رود از آثار او میباشد عزل کردن هشام عبدالنصری از حکومت مکه
و مدینه و طائف و نصب نمودن خالد خود ابراهیم بن هشام را بجای او و وفات یوسف بن یحیی بن حکم بن ابی العاص
و طایف و کلبان امری با اعراب اسپانیا بود گونی که از ابلات فرانک را غارت کردند و قتل عام نمودند شان قرار
از اعیان فرانک از رودین عبور کرده ملک با و سپر با با طاعت را و در بعضی اینفتره را اسیال بقدر نسبت داده اند و ظاهر
اصح باشد

سده سی و پنجم ۷۲۵ مسیحی

سده هجری

اسما و لایب جنید بن عبدالرحمن از جانب خالد نصری در سند و وقوع مواضع بل و افجابین او و چیشب برین داهرا
سند که از جانب عمر بن عبدالعزیز بر کلابان خود ولی بود و مخالف چیشب بعد ها که بدست سپاه جنید مقبول گردید
و فوجان جنید را آخذ و در فرستادن بکربن ماهان جمع را بخوارسان برای اخذ سبب مجبیه بنی عباس و مطلع شدن
اسد بن عبدالله و گرفتار شدن مقبول شدن جمیع آنها و وقوع صلح مابین اسد بن عبدالله و ملک غرشستان که در حوالی
جبال طائف و اسلام آوردن ملک غرشستان رفتن اسد بن عبدالله بغزوه غور از جبال هرات و اخذ غنایم بسیار
عزل جراح بن عبدالله حکمی از حکومت اذربایجان و نصب مسلم بن عبدالملک بجای او که حوث بن عمر و الطائی از
جانب مسلم بن ابی بکر و فرار و سابق بسیار از بلاد ترک بگرفت و آثار خرد در آن ماکل بر فرار کرد و وفات سلیمان
بن شبار از فقهای سبعة کثیر شاعر محمد بن ابی بکر هانورد شدن بربک ابو خالد بن بربک از جانب اسد بن عبدالله بنی
شهر بلخ هز بن اسد در سپستان امری پا رفتن عین بن شیم الکلیه عامل و حکمران الماس بغز و بعضی از بلاد فر
و گرفتن او شهر فرغشون را و اسیر داد اسرای مسلمین و اخذ جزیه

سده سی و ششم ۷۲۶ مسیحی

سده هجری

اسیا غلبه اسد بن عبدالله بر بلاد ترک از ختل (خلان) و غزوه و اخذ اسپر و غنیمت بسیار جنگ مسلم بن عبدالله
بلد و مهاد در جزیره که موضعی است بسیار و فتح کردن بسیار پیراد را بن غزوه و وقوع حرفی در دابق و سوختن چراگاه
و چارپایان و بارهای آنها آمدن پسر خاقان ترک با ذربایجان و محاصره کردن بعضی از بلاد این مملکت را و مدافعه
حرب بن عمر و الطائی فتون او را که منتهز شدند و ناگارد و در اس آنها را غایت نمود و بسیار را بکشت بعضی
حرب در این جنگ کشته شدند و در طاعون شدید در شام امری پا جنگ ابراهیم بن هشام بار و مپها که یکی از طاع
انها را بگرفت

سده سی و هفتم ۷۲۷ مسیحی

سده هجری

اسیا عزل کردن هشام بن عبدالملک خالد بن عبدالله و برادرش اسد را از عراق و خراسان و نصب نمودن
حکم بن عوانه کلوی را در خراسان و حکم بن یحیی بن کبابستان در خراسان اقامت کرد و هیچ اقدامی در کار حرب نکرد معز
شد و لشکر بن عبدالله بجای او منصوب شد و اشرس بواسطه فضیله که داشت معروف بکامل بود و غزوه مسلم بن

عبدالملک

عبد الملك در حدو اندر با بجان با انراك و غلبه او واخذ اسير غنيمت بسيار و معاودت او امر و با عزت و صوت
هشام در خاك روم و گرفتن قلعه طبره كه جامع از اهل انطاكيه در اين جنگ كشته شدند افزون بر اين بشري صغول
عامل از نيمه بفر جزيره صقليه شناخت و با غنيمت بسيار بفر وان بر كشته در ان شهر در گذشت

سنة ۷۲۸ هجری

سنة ۷۲۸ هجری

اسيا فرستادن اسرئيل الى خراسان ابو الصياد صالح بن طريف بن بك بنی ضبة و ربع بن عمران بنی رابد عونا اهل
وماوراء النهر يقبول اسلام و رفع جزيره از انجا كه اهل سمرقند اسلام اخيار كردند محاصره كردن اسرئيل بخارا
و محاصره كردن خاقان ترك با اهل فرغانه واقشبه و سغدي و غيره كه جزيره را كه از بلاد معظمه خراسان و در ان وقت جمع مسلمين بود
و عاقبت كار مسلمين و انراك بمصلحت انجاميد ان اهل كه در و فرستادن اسرئيل لشكري بر سر استان و ظفر بافتن اين
لشكر با است بلال بن ابى بكره امر فضاوت و عسكر نمود بوان احكام و بعض مشاغل ديگر بصره را با مرخالد مشري جنگ
مسلمين بن عبد الملك با انراك و اللان با خاقان ترك كه دين بگماه قتال نزول باران شديد با سبب هزيمت لشكر خاقان
شد و فات حسن بصره و فرزندى شاعر و محمد بن سهرين معتبر معروف و جريح خطي شاعر امر و پا رفتن معاويه بن شيك
بجنگ و ميثاق

سنة ۷۲۹ هجری

سنة ۷۲۹ هجری

اسيا عزلكردن هشام اسرئيل بن عبد الله را از خراسان كه چند بن عبد الرحمن بن عمرو بن حريش بن خارج بن سنان
مرى بجای او منصوب شد رفتن چند با و راه القرم و مقاله با جيش ترك در و فرسجى بگند و غلبه چند و اسير شدن
برادر زاده خاقان ترك كه چند او را نزد هشام بن عبد الملك خود بر و مر اجتنك كرد و تعالى كه از جانب چند
ولايات خراسان و مضافات عامل شدند هر از سلسله مضربه بود نفاذ جمله فطن بن قتيبه را بخارا و ولید بن قعقا
عبسى را بمرات و مسلم بن عبد الله با اهل را با سنج فرستاد و آلى كه دن هشام حكم بن قيس بن مخزوم بن عبد المطلب بن
عبد مناف را بر عامه مردم شام و بصر آمدن لشكر ترك بطرف اندر با بجان و شكست دادن حوث بن عمرو انهار و ولايت
جراح بن عبد الله حكمن را در مدينه و عزت مسلم از اين ملك و ولید را بشان مسلم بلال خرد از ناحيه نفلين و فتح كردن
شهر بخارا و بفتح قشون خرد و توجه ببلال با سلام بر اى جنگ امر و پا جنگ كردن معاويه بن هشام و سعيد بن
هشام در و محل بار و مها و جنگ كردن عبد الله بن ابى مریم تيرد و اطراف را بار و مها

سنة ۷۳۰ هجری

سنة ۷۳۰ هجری

اسيا رفتن جراح بن عبد الله بجنگ خرد در ناحيه اللان و مقاله شديد با انراك و كشته شدن جراح و همراهان او
در مرتع ارد بيل پاد و بلخ كه بعد از ان پسر خاقان ترك در نواحى اندر با بجان قتل و هنيبر داخت هشام سعيد
الحمرى را با لشكري بدفع و غز خرد و مامور كرده سعيد جنگ با بخارا كرد و انهار را محذول نمود رفتن چند و ابى
خراسان بنز و خاقان ترك بطخارستان و محاصره كردن سمرقند و مقاله با انراك كه در ان موقع سوره بن حر كه از جانب
چند و ابى سمرقند بود نيز با باده هزار نفر قشونيكه همراه داشت كشته شد و عده عظيم نيز غير از انبها مقتول
شدند و چند واقعه را بهشام نوشته هشام بيست هزار نفر از كوفه و بصره و مقداري اسلحه با آمد و چند
فرستاد و فات رجاء بن جهات كندى و محمول ابو عبد الله التامى الفقيه امر و پا جنگ معاويه بن هشام با تو
و فتح خريشه كه اما سپر شد

سده هجری

سده هجری

اسیما فغانه مسلم را خرد و گرفتن فلاح و بلاد و فرای بسپا از آنها و دستگیر کردن بسپا از اثرک و نزدیک شدن
 از طرف خیال به بلخ و کشتن پیر خاقان ترک و فراهم آمدن لشکر بسپا از خیال ترک برای جنگ با اعراب که چون این خبر
 رسید چاره جز فرار نداشت و بیابان بواب آمد و قاتل عدی بن ثابت الانصاری و معاویه بن قرق بن اباس الزنه و عبدالرحمن
 ابی سعید الخدری مکتوبی با جعفر رفتن بعضی از داعیان بنی عباس خراسان که چند یکی از آنها را بدست آورده بکشت
 امر پاجنک معاویه بن هشام بار و مهادر ناچار مرعش (رم) جلوس گرگوار ستم پاپ جنگ عبدالوهاب بن یحیی و
 عبدالله بطال در خاک روم و کشته شدن مالک بن شیب و عبدالوهاب و سبواسر فریقا عبدالله بن عباس و
 از نقیبه فشو بسرداری جیبین عبده بیلا دحبشه مامو کرده سودان را بغلبه فتح کردند و غنایم موفور بدست
 آوردند

سده هجری

سده هجری

اسیما دادن هشام بن عبدالملک و لایق جزیره و آذربایجان و ارمینیه را مروان بن محمد بن مروان ابن عم خود مامور
 کردن او را با یکصد بیست هزار نفر قشون بجنگ خزر و خیز شدن پادشاه خزر و رفتن یاقصی بلاد خود و خاک
 گذاشتن بلاد و اماکن و خراب کردن مروان بعضی بلاد خزر را و اخذ غنایم و اسیر و آمدن بیلا د سلطان سرپر
 خاک خزر بن و سعدان ناقلمر لکن و مصالحه کردن با مروان بادای حراج و مخدول شدن زمره دیگر و معاودت
 مروان بعد از آنکه ناشروان و دودانته رانده بود و وقوع طاعون شدید در واسط و قاتل عبدالله بن بریده بن
 حصیب اسلمی قاضی مروان و قاتل عطاء بن رباح فقیه حجاز از مخالف امام محمد باقر علیه السلام و بعضی از مخالفان حضرت را
 در سال صد و پانزده نوشتند امر پاپا عبدالرحمن عبدالله العافقی که از جانب هشام بن عبدالملک حکم
 اسپانول بود با قشون ریاد بجنگ فرانک ناخست و مابین شهر حالیه نوره و پور و این جنگ سختی با شارل مارسل
 که در واقع پادشاه فرانک بود کرده سردار عرب مقتول و قشون عرب معاودت با اسپانول نمود جنگ معاویه بن
 هشام و سلیمان بن هشام در دوح محل بار و مپها

سده هجری

سده هجری

اسیما بر زطاعون شدید در شام ظهور مخط و غلا در خراسان و قاتل چند والی خراسان و بعضی فون چند
 در صد و شانزده نوشتند امر پاپالتون امپراطور سطنطنیه بقصد آمدن بر پایاز سطنطنیه سفاین جنگ زبا
 بطرف دم مامو نمود ولی در دریای آدریانیک تمام ان سفاین د و چار طوفان و غرق شد عبدالملک بن قطن
 حاکم اسپانول بغزوه از ضربت کلسر رفت و معاودت کرد

سده هجری

سده هجری

اسیما و زطاعون شدید در عراق و شام که در واسط قتال مزبور غزل کردن هشام چند بن عبدالرحمن را از
 خراسان بواسطه اینکه فاضله دختر بن پدین مهلب را تزویج کرده بود و نصب شدن عامر بن عبدالله بن مزید هلاک
 بجای او خروج حرث بن هریر در خراسان و رفتن بسو فاراب فرستادن عامر بن عبدالله رسولان نزد او برای اصلاح
 و رفتن حرث از فاراب بطرف بلخ و فغانه او با نصر بن سيار حکمران بلخ و منفره شدن بلخیان و در حرث بلخ و خروج
 نصر بن سيار از انولایت و حاکم کردن حرث یکی از اولاد خازم بن عبدالله را در بلخ و رفتن بطرف جوزجان و طالقان

بنا بر این فون چند درین
 سال بوده است

و مردی و غلبه کردن با بن نواحی و مقاله با عامر بن عبدالله و فرار عساکر حرت و حوث در بن شمال و هلاک شدن بسیاری
 از آنها بفرقت شدن در مرو و رود که بعدها باز در و حرت جمع شدند و قاتل عدی بن ثابت کوفی و میمون بن حذان
 فقیه جزیره و عمرو بن مراره تابعی و علی بن عبدالله بن عباس در قریه جمعی از دمشق امر با جنگ معاویه بن عبد
 الملك بار و مینا و قریه غزل کردن هشام عبدالله بن حجاب موصلی را از ولایت مصر و والی کردن او را بر افریقیه و لشکر
 کشیدن او بطرف صقلیه مقاله بار و مینا که اگر چه در مینا منزه شدند ولی اسپر ز پادوی از مسلمین بر بندران
 اخله بوعبدالرحمن زیاد که مدت شش سال با سپر کف دادند

سده هجری

سده سی

اسیافرستان مروان بن محمد بن مروان حکمران ارمینیه و دسنه آرد و جانب مجک انراک خزر که یکی از آن دوسه
 سه قلعه از ناحیه الان فتح کردند و دسنه بکر بن یومان شاه و روی نموده و با اهل آن ناحیه صلح کردند و عزل کردند هشام
 عامر بن عبدالله را از ولایت خراسان و نصب نمودن خالد بن عبدالله مشرعی را بجای او که خالد برادر خواستد بن عبدالله
 را بخراسان فرستاد محاصره حوث بن سرج بن مرد را و منزه کردیم تر مدتها را که در نانی جمع شده حوث را شکست دادند و بسیاری
 از ابناء عساکر را بکشیدند و آوردن اسد بن عبدالله جمعی از دعاه بن عباس را و هلاک کردن ایشان را و قاتل فاطمه و سکنه
 سلام الله علیها دختران حضرت امام حسین علیه السلام و قاتل عایشه دختر سعد بن ابی وقاص و قاتل فزاده بن دعاه
 بصیر اعمی قاتل ابن ابی ملیک و سعد بن بشار و نافع فقیه مدینه امر با جنگ معاویه و سلیمان پسران هشام بن
 عبدالملک بار و مینا در حوالی جزیره در رد و محل و مامور کردن سلیمان دسنه عساکر بنقاط مختلفه خالد روم
 او نیز مسلم داشتن هشام مصر و افریقیه را بر عبدالله بن حجاب که حکومت اسپانول نیز او را بود و از جانب خو عقیبه بن
 حجاج را بران مملکت حکمران کرد و والی کردن عبدالله پسر خود را بر مصر و رفتن بجانب افریقیه و دادن حکومت طنجره را
 به سپر مکرخو اسمعیل نام و فرستادن جبیب بن ابی عبیده بن عقیبه بن نافع را بجهت مغرب زمین و سوادان که فتوحات
 غنایم موفوره بدست آوردند بخار به مسلمانان با اهل مرز و شکست خوردن مسلمانان و کشته شدن جبیب کلثوم بن عیاض
 الفشیری و جماعتی از بزرگان و بعد از انبوا فقه هشام حنظله بن صفوان الکلبی را حکمران اسپانول کرد و بجز مغرب
 زمین و بر سرستان مامور نمود و عکاشه خارجی با جمعی از اهل بصره و قریه ان با حنظله جنگ کرده ولی عکاشه منزه
 و جمعی از بزرگان کشته شدند بعد عبدالله بن ابی الهواری را بر سر مغرب شده در حوالی قریه ان در محل معروف
 با مسلمانان جنگ سختی غالب شدند و سر عبدالله واحد را برای حنظله آوردند و این جنگ کو بن صد و هشتاد هزار نفر
 طعمه شمشیر مسلمانان گردیدند

سده هجری

سده سی

اسیافرستان بکر بن مامان بن قمار بن یزید را بخراسان برابست و خواهان بنی عباس که او تعیین اسم داده باین مملکت
 آمد بعضی حرفها نا شایسته در دین بگفتند اسد بن عبدالله مطلع شده او را بدست آورد و بکشتن نزد اسد بن
 عبدالله بلیغ و مامور کردن جدیع کرمان را بقلعه موسویه بنوشکان از طخارستان علیا که حوث بن سرج و بنوعه او و
 برنی که نقلیتن و داماد های حوث بودند در بن قلعه جاد شدند و جدیع ان قلعه را محاصره کرده نافع نمود و پسران برادر
 بکشتن با اهل قلعه را عموما اسپر کرد و زنان انها را در بازار بلخ بفرود آمدن مردان آنها کشته شدند تا قاتل اسد بن عبدالله
 در شهر بلخ و نقل کردن دیوان فضا و احکام را باین بلده و رفتن از بلخ بفرز و جنوب طخارستان و اخذ غنایم و اسپر بسیار

جنگ مروان بن محمد بن مروان با وندیس پادشاه نرک و غلبه بر او و فرار وندیس بطرف خزر که در راه کشته شده و بعد او
عاقبت او سپردند و قاتل علی بن عبدالله بن عباس در چهارم از فرای شام که ولادت او در شب شهادت امیرالمؤمنین علی
ابطال علیه السلام بود و پدرش گفت من او را دوست میگویم با هم کسیکه او را از جمیع ناس پیشتر دوست دارم و او را علی نامید
و کنیز او را نیز ابو الحسن کرد پس در وقت عبدالله بن عامر فرای شام و در وقت شاعر امری با جنگ معاویه و سلیمان
پسران هشام در خاک روم

سده ۷۳۷ هجری

سده ۱۱۹ هجری

اسیاء رفتن اسد بن عبدالله و الی خراسان بختل (خلان) و پراکنده کردن عساکر خود را در آن نواحی و آگاه شدن
خاقان نرک و بالشکر که پایان منوچهر با اسد کرد بدین و باز کشتن اسد از ختل که هنگام عبور از نهر بلخ لشکر خاقان
بسا که هر یک سده هر چه از نهر عبور نکرده بودند بدست نرک کشته و اسیر شدند و خاقان از آن محل بمفر خود
بازگشت و حرش بن سیرج که در مرو رود و طخارستان اقامت داشت بمخافان پوست و اسد در بلخ جمع آوردی لشکر
عمده نموده در زمستان بطرف خاقان راند و در شهر جوزجان با او جنگ کرد و در حمله اول حرش بن سیرج و همراهایش
منهزم شدند بعد از آن هم فرار کردند اعراب آنها را غارت نموده اسرای مسلمین را باز پس گرفتند و خاقان بطحارستان
گریخت و در آنجا در نزاع و اختلافی که در بازی نزد اشخاصی به سر سپارند مقبول شد خروج مغیره بن سعید ساحر و
بیان با مشهوران نیز از اصحاب خود که ادعا میکرد من منوچهر عاد و نمود و غیرهم را زنده کنم و گرفتن خالد بن عبدالله
و الی کوفه آنها را و بافتن ذی در جاه کوفه سوزاندن خروج بهلول کبش شبانی از اهل موصل که ملقب بکماره بود
خروج عمر شکر که کشته شدن او خروج بجزئی صاحب لاشهت فرستادن خالد و الی کوفه شط بن مسلم بجلی را
با چهار هزار نفر بدفع او و قتال فریبته در ناحیه فرات و فرار خوارج و کشته آنها بدست عبید و سفله اهل کوفه
خروج ذی السخانی بر خالد در حیره و گرفتن او و کشتن و سوزاندن خالد او را با مر هشام بن عبدالملک خروج
صهاری بن شیبین زید در ناحیه جبل و کشته شدن او و اصحابش (جبل جابکاهی بوده است در کوفه مشهور و بسیار
زیاد) جنگ عساکر اسد بن عبدالله در ختل و غلبه آنها در این ولایت و گرفتن اسیر و غنایم موفوقه و فرار اهل ختل
بطرف چین جنگ مروان بن محمد بن مروان در رمنیه و راندن در بلاد الاذن و رفتن بجانب خزر و بلنج و سمندر تا
بجناکه شهر پست و حوالی باب الا بواب هر چند خزر که پادشاه خزر که در اینجا بود فرار نمود و قاتل سلیمان بن اشک
و عباس بن سلیمان کوع و حبیث ابی ثابت فطیه در کوفه امری با سقوط سر مناره در بازار زنان در قسطنطنیه
از زلزله

سده ۷۳۷ هجری

سده ۱۲۰ هجری

اسیاء و قاتل اسد بن عبدالله الفسری و الی خراسان در بلخ و قیام جعفر بن حفص بن بصری با مر خراسان در وقت
چهار ماه که بعد از آن نصر بن سوار الکافی و الی خراسان گردید فرستادن هواخواهان بنی عباس سلیمان بن کثیر
از خراسان محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برای اینکه از حالات او را اعلام کرده باشند عزل کردن هشام بن عبدالملک
خالد بن عبدالله فسری از ایالت عراق و خراسان و نصب کردن یوسف بن عمر الثقفی و الی بن را بجای او و در عهد
یوسف اسلام در آنجا در نهایت ضعف بود و کفار غلبه داشتند و قاتل سلیمان بن عبدالملک بن مروان و قاتل محمد بن
سلیمان فطیه و واند بن مروان سعید بن معاذ امری با جنگ سلیمان بن هشام بن عبدالملک بار و مهابا و فتح

شهرسندک

سده هجری

سده هجری

اسیاب بکن کردن چهل هزار نفر از اهل کوفه بازید بن علی بن الحسین که از جمله مسلمة بن کهل و نصر بن خزیمه بن علی
 معاویه بن اسحق بن زید بن حارثه الاصبغی و بعضی دیگر از اعیان کوفه بودند و فرام آمدن اسباب ظهور زید و مخالفان
 با هشام بن عبدالملک و ابوسفین عمر الثقفی که از جانب هشام و کلاب عراق داشت و نصیحت کردن داود بن علی بن
 عباس زید را و منع کردن او را از آنکه بعهده و وفای اهل کوفه اعتماد نماید همچنین نصیحت کردن مسلمة بن کهل زید را
 بمنوال داود و تپذیر فتن زید از هیچک و نوشتن عبدالله بن حسن بن حسن نام بزید با این مضمون که مباد ابقول اهل کوفه
 مغرور گردی که آنها بانو همان کنند که باجد تو کردند و مؤثر نشدن این کلمات در مزاج زید و تزویج کردن زید و کوفه
 دختر یعقوب بن عبدالله سلمی و دختر عبدالله بن ابی العیسی از وی را که پس از آن گاهی در خانه این زوجة گاهی در خانه
 آن زوجة گاهی در میان عیسی و گاهی در میان بنی هند و زمانی در میان بنی تغلب و غیر هم بود تا ظهور کرد جنگ نصر بن
 دو ماوراء النهر در بلاد و ولایات چند و گرفتن عاصم بن عمر کو رسول را که یکی از سلاطین ترک و صاحب چهار هزار فیه
 بود و کشته شدن کورصوب بامر نصر بن سباز و پیش رفتن کار عساکر نصر در نواحی بلاد ماوراء النهر و مصالحه نصر با بران
 و ملوک ترک جنگ مروان بن محمد بن مروان والی ارمینیه در ارمینیه داخل شدن بقلعه غومیک که دختر پادشاه در آن
 بود و فرار پادشاه و راندن مروان تا قلعه خیزج که تحت طلای پادشاه در آن بود و وقوع مصالحه با بران مروان و
 پادشاه بمال المصالحه بادی و رفتن مروان بجنگ بطران و مصالحه پادشاه بطران با مروان و رسیدن مروان با رضی
 نومان و مصالحه با او و وصول بدین حوزین و خراب کردن بلاد او و مصالحه حوزین با مروان و رفتن مروان بجنگ ^{مسلا}
 و فتح کردن آن و زور و بکیران و مصالحه طبرستان و فلان با مروان و جمیع این ولایات در ساحل دریای ارمینیه
 ناطرستان حج کردن محمد بن هشام بن اسمعیل مخزومی حاکم مدینه و مکه و طایفه عراقین سال فراغت و لید بن بکر
 حاکم موصل از حفر هزیکه داخل شهر میسند و هشاد هزار درهم خرج آن شده بود و هشت سنک اسباب
 این هزیکه دانند که هشام منافع آنها و تلف مرثیه نمود و وفات مسلمة بن سهیل یغولی و وفات عامر بن عبدالله بن
 زبیر یغولی و وفات محمد بن عیسی بن حیان شیباع علم کیمیا در میان اعراب اعراب یا جنگ مسلمة بن هشام در خاک روم
 و فتح کردن مطامیر اکتشاده شدن یعقوب بن عبدالله بن اشج در جنگ بارومها

سده هجری

سده هجری

اسیاب با خبر شدن یوسف بن عمر بن علی عازا از امر زید بن علی بن الحسین که با اصحاب خود مواعده کرده بود که شب
 اول ماه صفر ظهور کنند و نوشتن یوسف از جبهه بحکم بن سلیمان حاکم کوفه که اهل کوفه را در مسجد احضار کند
 و بیفح ماجرا را بآورد و محصور کردن حکم اهل کوفه را در مسجد و فرستادن یوسف بیان مسلمة الانی را بآورد و هر قدر
 با ملای حکم مقاتله زید و اصحاب او که در این وقت همه حمله دو پشت هجده نفر بودند و باقی ماند کرده با محصور
 بودند با سنا کوفه و شام که در بنی یوسف حکم بودند و کشته شدن زید بعد از چند روز جنگ و دفن کردن
 اصحاب زید جسد او را آب بسن بردند و منار او که مدفن او از معاندین مخفی ماند پیدا کردن اعدای مدفن زید
 و بنش کردن قبر و پیردن جسد او و بریدن سر او که حکم بن سلیمان سر را بچهره برای یوسف بن عمر فرستاد و
 یوسف حکم کرد جسد زید و نصر بن خزیمه و معاویه بن اسحق و زیاد الثقفی را در کفاسه بیاورند و مستحفظی بر آنها

فرار دهند که مبادا دوستان زیدیان جدا را برده دفن کنند و پوسن زید را نزد هشام فرستاد و هشام از آن در وقت
 دمشق و بخت بعد مدینه فرستاد و بدین زید مصلوب بود اما هشام مرد و بعد از هشام و ثیدان جدا بسخت و بخت
 زید بعد از کشته شدن زید بن زینب و او ^{نظا} بخراسان رفت و توحید یوسف بن عمر بن شبر به سجستان و قاتل پارس بن معاویه بن زینب
 قاضی مصره که بناگوش معرفت و قاتل زید بن مرتضی و محمد بن المنکدر بن عبدالله ابوبکر البی از تیم قریش و یعقوب بن
 عبدالله بن الاشج و محمد بن اسمعیل کوفی و ثابان بنانی تابعی ارب یا کشته شدن بطلال که با جماعتی از مسلمانان در بلاد
 جنگ میکرد و اسم بطلال عبدالله ابوالحسن الانطاکی بود و جنگهای شدید در بلاد روم نموده رومیها از او نفابتها
 بودند بعضی کشته شدن بطلال را در سال صد و بیست و سه نوشته اند و فرقی کشته شدن کلثوم بن عباس را نیز
 که از جانب هشام با سپاه شام با فرقیته و قتل بود و زینب بر هلال شد و زینب بن عباس را تسلی از خروج عبدالواحد
 بود که در مغرب باطن بر و بعضی قتل بر و غیر این شرح داده اند

مل
موتی

سده سی و چهارم

سده هجری

اسیا مصالحه رضی بن ستر و ابی خراسان با اهل بغداد و جنگ کردن با اهل فرغانه و قاتل محمد بن واسع الازدی
 بقولی و قاتل جعفر بن پارس و سعید بن ابی سعید القبری موسوی بکبک بقولی و قاتل مالک بن زینب از اهل ارب یا ربیع
 زینب بن علی که شهر قسطنطنیه شهرت یافته و شهرت کوهی را معدوم صرف نمود و این زینب را مصر املاک با قاتل و قاتل
 عقبه بن حجاج السلوی حکمران اندلس و مخول بلج بن بشر العیسوی بانلس بعد از آنکه در افریقیه محصور بود و ولا پناه آوردن

سده سی و پنجم

سده هجری

اسیا ابتدای امر ابو مسلم خراسانی بعضی گفته اند اسم ابو مسلم ابراهیم بن عثمان بن بشار بن سدوس بن جوذرده و از
 اولاد ابو جهم بوده گفته اند با اسحق و مولدش صفهان و نشو و نماش در کوفه بر خنی بر این اند که اسمش ابراهیم لقبش حیکا
 و از اهل ضیاع بنی معقل عجله بوده است و اصفهان را در شهر دیگر از بلاد جبل بهر حال چون با ابراهیم بن محمد بن علی بن
 عبدالله بن عباس پیوسته با برادر تغییر اسم داده موسوی عبدالرحمن بن مسلم شد و مکنی با ابو مسلم کرد بد جماعتی ابو مسلم
 را هر ندانسته و عبد شمره اند و ابراهیم بن محمد پس از آنکه ابو مسلم چند سال با او خدمت نموده بود او را بواسطه
 دو سال صدیق گمانی که داشت بر هواخواهان بنی عباس که در خراسان بودند امر نمود و او بخراسان آمد بخانه سلیمان بن کثیر
 منزل کرد و ابراهیم بن محمد نامه به ابی سلمه الخزاز که داعی عباسین بود در خراسان نوشته هواخواهان بنی عباس
 با طاعت ابو مسلم امر کرد و بقیه امر ابو مسلم در سال صد و بیست و هشت پدید و قاتل محمد بن علی بن عبدالله بن عباس
 بقولی و وصیت کردن محمد با ابراهیم پس خود که با بر دعوت مردم به بیعت بنی عباس تمام نماید و قاتل محمد بن مسلم بن
 شهاب الزهری امام اهل مدینه ارب یا جنگ سلیمان بن هشام با رومیها و ملاقات ثنون امپراطور قسطنطنیه
 قوت ثنون امپراطور و جلوس قسطنطین بجای او (فرانک) قوت شارل مارسل پادشاه و امپراتور بکشتن عد
 فرانک کرده بود و تقسیم کردن مملکت بسواد خود (رُم) قوت گوارسپم و نصب اشرفی بجای او (اسپانیا)
 و قاتل بلج امپراتور و ولایت ثعلبه بن سلامه عجلی در این مملکت افریقا عرب بناریه مغرب در مغرب

سده سی و ششم

سده هجری

اسیا و قاتل هشام بن عبدالملک در صافیه در عشار اول ربیع الاول در پنجاه و پنجاه و پنجاه و شش سالگی که
 نوزده سال و نه ماه خلافت کرده بود در صافیه مدون شد (مقصود از این صافیه یکی از شهرهای شام است)

بیست مردم با ولید بن زید بن عبد الملك و لعهد کردن و ولید و دلیر خود را که حکم و عثمان باشند که ولایت عهد است
 را باشد و بعد از آن دیکری را ولایت دادند و ولید نصر بن سوار را بر تمام خراسان و فرستادن یوسف بن کلابی عراقی را
 نیز ولید و خرد نصر و عالی او را دادند و ولید و لای خراسان و یوسف و فرستادن یوسف رسولی نزد نصر که خود را از
 حکومت خلع کرده نزد یوسف آید و ماطله کردن نصر و نوشتن ولید بن نصر که بر بطنها و طنورها و ابروهای طلا و نقره
 او تمام نموده با مطربها از خراسان متوجه خدمت ولید کرد و در هر چه از باز و قوش و اسباب شکار در خراسان بیاید با خود
 آورد و مخفیانه تقدیم نماید و نصر بیعتی مشغول شده و قتی روانه شد که در راه خبر قتل ولید را شنید و مجرای خود بازگشت
 گشته شد و یحیی بن زید بن علی بن حسین در جوزجان در جنگ با سالمون اخوز که نصر بن سوار او را بقتال با یحیی امر کرده
 و جسد یحیی در جوزجان مصلوب بود تا ابو مسلم در خراسان تسلط بهم رسانید و جسد یحیی را دفن کرد و از فائز بن یحیی
 کسزنده بود بگشت و هر کس مرده بود بیاز ماندگان او صدمات وارد آورد حکومت یوسف بن محمد بن یوسف ثقفی خا
 ولید بن زید در مکه و مدینه و طائف و قات محمد بن علی بن عبدالله بن عباس رهولی و قات سالک بن حرب و ابن ابی مره موسوم
 به بسیار از قارهای مشهور و اشعث بن ابی الشعثاء سلم بن اسود الحاربی و سپید بن ابی نسیب الحاربی فقیه فایدا امر و
 امارت ابو الخطاب حسام بن ضار کلبی و راندس افریقا و لایب حنظل بن صفوان الکلبی در افریقا

سید صبیحی

سید صبیحی

اسیما آمدن خالد بن عبدالله العسکری و ولید و سلیم کردن و ولید او را یوسف بن عمر ثقفی و بریدن یوسف او را
 بکوه و غنای کردن و کشتن او اضطرار با سر بیعت گشته شدن و ولید بن زید بن عبد الملك در ماه جمادی الاخره بسبب
 اکتار او در ولید و لعنه شریع و منور و افدام با حال شبنه که مردم با زید بن ولید بن عبد الملك بیعت کردند و او لشکر
 در تحت فرمان عبدالعزیز بن حجاج بن عبد الملك سر ولید فرستاده در حوالی نضر بنان بن شیبان او مقاتله کردند و چون
 ولید در ماند بصره فتح در در روی خود بیست و فران دست گرفته گفت امر و نظر و دعوتان است با جمله هو او خواهان
 زید و در نضر را گرفتند زید بن عنین از یوسف و نضر را گرفته داخل نضر شد دست زید را گرفتند که بر او وارد اجلس
 ده نفر دیگر در آن هنگام و روی بصره که در جمله منصوبین جمه و عبد السلام الحاربی بودند عبد السلام ضربی بر ولید
 زد و سندان زید این ای کبش ضربه بر روی ولید زد و سر او را بریدند و تر زید بن زید را و او حکم کرد سر او بر سر زید
 در شهر دمشق کردند مدخلت خلافتن تقریباً یکسال و سه ماه خلافت زید بن ولید بن عبد الملك معروف با فاض
 در او اخر جمادی الاخره و او را فاض میگویند زیرا که عشتار بنک و ولید بر عطا پای مردم افزوده بود او که در بوضع که
 در ایام هشام بود مخالفت اهل حضر با زید و لشکر فرستادن زید بن سید مرانها و قتال شدید در حوالی نینوا العفای
 که اهل حضر منضم و منموشند اجتماع اهل فلسطین برخلاف زید و بیرون کردن عامل زید را از فلسطین و احضا
 کردن زید بن سلیمان بن عبد الملك بیعت کردن با او و فرستادن زید بن ولید لشکر بر سر داری سلیمان بن هشام
 عبد الملك بقتال زید بن سلیمان عبد الملك و منفرق شدن بزندان فلسطین از دور زید بن سلیمان بوعد و وعید
 سلیمان بن هشام و رسیدن لشکر سلیمان بن هشام بچین زید بن سلیمان و نهج کردن انها و رفتن سلیمان بن هشام
 ناظر بر و مدله و گرفتن بیعت برای زید با فاض عزل کردن زید با فاض یوسف بن عمر از عراق و نصب کردن منصور
 بن جمهور بجای او و ضمیه نمودن مملکت خراسان را بکومت منصور و اطاعت نکردن نصر بن سوار و عزل کردن
 زید با فاض منصور را و نصب کردن عبد الله بن عمر بن عبدالعزیز بجای او و ظهور مروان بن محمد بن مروان بخالفت

در دفتر یحیی

زید

زید نافع شورش اهل مدینه و مخالفان آنها با حاکم خود که بعد از آن جنگها در اینو کلا پیشه نوال بود آمدن حرب بن عمرو
 که در میان ازان بود و با نضر بن معاویه مخالفت میکرد نزد نصر و امان پادشاه و پس دادن نضر با او آنچه را از او گرفته بود رفتن بکر بن
 ماهان از جانب ابراهیم بن محمد عباسی بخراسان و خبر دادن و فاش نمودن با هوخواهان بنی عباس و دعوت کردن آنها را بمنابع
 ابراهیم قبول کردن آنها بعت گرفتن زید نافع برای برادرش ابراهیم بن ولید بولا پست عهد و بعد از او برای عبدالغنی بن صالح
 عبدالملک قوت زید نافع در زید بن حوش که ششماه و ازده روز خلافت کرد و جلوس ابراهیم بجای او که استقرار یافت
 و حکمرانی او چهار ماه یا هفتاد روز بود و بعد مروان او را خلع کرد و فاش نمودن عبدالرحمن بن فاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق را و
 صاحب بن عباس از زید استیلا و عبدالرحمن بن حنیف بن ابی عبیده بن عقبه بن نافع در افریقیه

سده هجری

سده هجری

اسیاء غیب مروان بن محمد بن مروان بن حکم امیر دیار جزیره شام برای خلع ابراهیم بن ولید و آمدن بمحضر و بیعت اهل حمص
 با او و همراهی با او بجزیره و قتال و فرستادن ابراهیم لشکری بسرداری سلیمان بن هشام بن عبدالملک بدفع مروان و جنگ کردن در
 نزد بکر مشوک لشکر ابراهیم صد و بیست هزار و عساکر مروان هشتاد هزار و پس از قتال شد بکشد لشکر ابراهیم فرار کردند
 و با سلیمان منزه ماند مشوک آمد با ابراهیم پیوستند و در پی او ولید بن زید که در زندان بودند بکشند بعد از آن ابراهیم کوفه
 و پنهان شد و سلیمان بن هشام بیست مال را غارت کرده میان اصحاب خود تقسیم نمود و از دمشق خارج شد بیعت مردم
 با مروان در دمشق و رفتن مروان بجایگاه خود یعنی بحران استیمنان ابراهیم و سلیمان بن هشام از مروان و امان دادن مروان
 آنها را و بیعت کردن آنها با مروان مخالفت کردن اهل حمص با مروان و لشکر مروان از حران بمحضر و مذهب کردن آنها و خراب کردن
 بعضی از باروی حمص طغیان اهل غوطه دمشق و بر داشتن زید بن خالد بنی مروان با امارت خود و محاصره کردن دمشق را و فرستادن
 مروان ده هزار سوار بنده بر آنها بسرداری ابوالورد بن کوثر و عمرو بن صباح که اهل غوطه را منفرم کردند و بعضی از فرار آنها
 زدند مخالفان اهل فلسطین با مروان که آنها را نیز ابوالورد مذهب نمود رفتن مروان بقرقیسیا و خلع کردن سلیمان بن هشام و
 را جمع شدن هفتاد هزار نفر از اهل شام دور سلیمان و اردو زدن در فلسطین و آمدن مروان با عساکر خود از قرقیسیا
 بنسیرین و وقوع قتال شد با بنی نسیب و منفر شدن سلیمان و عساکر او و نواب لشکر مروان فثون او را که زیاده از
 سی هزار نفر آنها را بکشند و رفتن سلیمان بمحضر و جمع شدن اهل حمص و بقیه منزه مین و در او و لشکر فرستادن مروان
 بر سر او که در ثانی او را شکست دادند و سلیمان بنده مگر کرب و اهل حمص باز عصیان نموده و عساکر مروان مدینه میدید
 حمص را در بند محاصره داشت تا امان خواستند و تسلیم شدند و ولایتی که از جانب سلیمان در این ولایت بودند
 اهل حمص آنها را بکارگزاران مروان دادند و ایمنی یافتند ظهور عبداللہ بن معاویہ بن عبداللہ بن جعفر در کوفه و
 مقاتله او با عبداللہ بن عمر بن عبدالغنی و فرزند باقر بن اصحاب معاویہ که زید بن زینت بودند و گرفتن طایفه ربيعة امان بر
 ابن معاویہ و خوششان و زید بن زینت که از کوفه بر نند چنانکه ابن معاویہ بدان آمده و جمعی از اهل کوفه بر او جمع شده و او بر
 حلوان و همدان و جبال و اصفهان و روی غلبه کرد خروج صفوان بن یسار و داخل شدن بکوفه و مقاتله با عبداللہ بن
 عمر که آخر الامر در واسط پس از سه ماه جنگ عبداللہ با صفوان مصلحت کرد که سلیمان بن هشام بن عبدالملک نیز با او بود قوت
 گرفتن کاوه و خواهان بنی عباس و برقرار شدن ابوسلمه بن حفص بن سلیمان از جانب ابراهیم بن محمد بجای بکر بن ماهان و
 عباس بن مروان بخراسان خواهش خوب بکر که در خود امارت مونس میدید و پند رفتن اهل خراسان سلمه را و فاش نمودن محمد بن واسع
 از دی ناهد و فاش نمودن عبداللہ بن اسحق مولی الحضری از خلفه عبدالشمس که مکتفی با ابو عجر و از ائمه علم نحو و لغت بود قوت اسمعیل

همند مفسر اهل کوفه و مالک بن دینار زاهد بصری بقول **امروا** یا **خلع** ابو الخطاب حسام بن ضراب از امارت اندلس و امارت باغین
ثواب بن سلمه الحدادی بجای او در این ملک

سنة ۷۴۵ هجری

سنة هجری

اسیما فرستادن مروان بن زید بن هبیر را بفراف بمقتله اشخاصیکه درین ملک خزیج کرده بودند و ظهور فتنه در خراسان
و مقتله حرث بن سیرج با کرمان و کشته شدن حرث فرستادن ابراهیم بن محمد ابو مسلم خراسانی را بخراسان در حالیکه نوبت
ساله بود برای دعوت مردم بمابعث بنی عباس و قوت عمل هواخواهان بنی عباس در خراسان کشته شدن صفحان بن قیس
خارجی در مقتله با عساکر مروان و کشته شدن خبیر بنی که بعد از صفحان تبعه او با خبری بیعت کرده بودند و بعد از قتل خبیر
شبان مردی بر بنی امارت یافت بعثت بنی حمره خارجی که موسوم بخنجر بن عوف از دیلمی بصری بود با عبدالله بن
یحیی معروف بطالب الحق بانکه طالب الحق خلیفه باشد و خواندن مردم را بخلاف مروان و آل مروان خزیج بسطام در
آذربایجان و کشته شدن او و قاتل حاصم بن ابی الجود صاحب الفرائد (الجود الحجاز الوحشی) و قاتل جابر بن زید
الجعفی از غلات شیعیه و ادب امام موسی کاظم علیه السلام

سنة ۷۴۶ هجری

سنة هجری

اسیما ظهور دعوت بنی عباس در خراسان بواسطه ابو مسلم و مکانات فیمابین نصر بن سبأ و ابو مسلم که مخفی بمقتله باشد
و غلبه ابو مسلم در بعضی از بلاد خراسان و کشتن چند نفر از عمال نصر بن سبأ و نوشتن نصر بن سبأ را و حکم کردن مروان
بعامی که در بقیع داشت که ابراهیم بن محمد را که معروف با ابراهیم بن امام بود در قرقر همه در شراة شام سکنی داشت
بکشد و مجوسان مروان فرستد که قتل عامل مروان ابراهیم را و فرستادن زید مروان که او را در حران حبس کرد و او
در حبس مروان بود تا درگذشت کشته گرامانی که با ابو مسلم موافقت کرده بود حکم نصر بن سبأ و طحون شدن علی بن
کرمانی یا تبعه خود با ابو مسلم و مقتله کردن با نصر در مروان و بیرون کردن از دار الاماره غلبه عبدالله بن معاویه بن
عبدالله بن جعفر طیار بر فارس که بعد از چندی من بن زانده از جانب ابن هبیره و الی عراق و جمعی دیگر با او مخالفت کرده
این معاویه منزه شد و خراسان رفت و با ابو مسلم کشته شد و قاتل نجیب بن عمر عدوی در خراسان و یحیی از فصحاء
تابعین بود و از ابوالاسود دؤلی بخوآموخته بود و قاتل و هبت کسان و یحیی بن ابی کبیر الهامی **امروا** و قاتل
ثواب بن سلمه امیر اندلس و ولایت یوسف بن عبدالرحمن الفهری بعد از این مملکت طایفه سلا و از ساحل دانوب با خوالی
مقدونیه آمده اخبار بپورت خود فرار دارند

سنة ۷۴۷ هجری

سنة هجری

اسیما استیلاء ابو مسلم در خراسان و داخل شدن او بشهر مرو و منزل کردن در قصر دار الاماره و کشتن نصر بن
سبأ از مرو و کشته شدن شبان مرد در ابودب سببام بن ابراهیم بفرمان ابو مسلم و کشتن ابو مسلم علی و
عثمان دو پسر کرمانی را آمدن محطبه بن شیب نزد ابو مسلم بانکه ابراهیم امام بشد بود و برای ابو مسلم فرستاد
و ابو مسلم او را مقدمه خود فرار داده چپش در تحت فرمان او فرار داد و او را در امور عسکری بسطام بداد و عزل و نصب را منقوض
برای او کرد فرستادن ابو مسلم عمال بولایات خراسان و عزیمت محطبه بن شیب با بپورت و کشته شدن بنیم بن نصر بن سبأ
در جنگ با محطبه بن سبأ بوفومس و مفرق شدن لشکر او کشته شدن بنانه بن حنظله عامل زید بن هبیره
در حران در مقتله محطبه کشته شدن ابو حمره خارجی بدست عساکر مروان ببرداری عبدالملک بن محمد بن عطیه

السعد سدهوازن ورفن ابن عطيه بن و مقاله او با عبدالله بن يحيى طالب الحنوكشته شد طالب الحنوكشته كردن
خطبه در جرجان كه شبنده بود اراده خروج نازند و كشتن زياده از سى هزار نفر با وفات ابو جعفر بن زيد بن فغفغ
الفاروق وفات محمد بن اسكندر زاهد رمدنبره وفات عبدالعزى بن رفيع كه ابو عبدالله ملكى فقيه باشد وفات
اسمعیل بن ابی حكیم كاتب عمر بن عبدالعزیز و بنی زید بن ابان معروف بنی زید رشك و حفص بن سلیمان بن مغیره بن طلحون
در بصره اسیر یا جنگ وید بن هشام با و میها

سده ۷۴۱ هجری

سده هجری

اسپا و فانی نصر بن سيار در ساره نزد یکی می در هشاد و یغساله آمدن خطبه بن شیبی می و اسفند
بنی عباس در اینجا و غلبه عساکر خطبه بر خوار چکه در د سیب جمع شده بودند نوشتن ابو مسلم خراسانی نامه ها
با سپید طبرستان و مصعبان حاکم ماوند خواندن انها را به تبعیت بن عباس و ادای خراج و قبول کردن اسپید
ورد کردن مصعبان که نازمان منصور مجالفت بلق بود و با بکار زار میپرداخت ناد رخلان منصور حاد بن عمر
د ماوند رافع کرد جنگ خطبه با علم بن ضباره و داود بن زید بن هبیره در نواحی و حوالی اصفهان که این دو حکم زید بن
عمر بن هبیره که والی مروان بود در عرافت جنگ خطبه شتافتند و منظم شدند و عامر کشته شد و انجد و دینر و ای خطبه
مصعبی کردید و خطبه چند روزی در شهر اصفهان مانده بعد بنهاوند رفت و ان شهر را نیز فتح کرد فرستادن خطبه
ابوعون عبدالملك بن زید الخراسانی را بشهر زید و فتح کردن ابو عون انولا با توجه خطبه ببارق برای جنگ با زید بن
عمر بن هبیره و نزول او در کنار فرات وفات ابو حذیفه و اصل بن عطاء الغزالی المعزلی که از حسن شهر گزاره کرده و خط
با او نمود در بنقول که صاحبان کباب نه مسلم اند و نه کافر بلکه مرتبه ممانه اسلام و کفر دارند و از این جنه او و مناجات
معروف بنعزله شدند و اصل لغه در حرف را و داشت یعنی منبوا نشانی حرف را لفظ کند وفات مالک بن زاهد
بن بعضی در این سال نوشتند وفات منصور بن عمر السلی ابو عناب کوفی

سده ۷۴۹ هجری

سده هجری

اسیا مقاله ابن هبیره و خطبه در حوالی فرات و فرار ابن هبیره و عساکر او که بواسطه کینچند و هلاکت خطبه بن
جنگ که بعضی گفته اند رعبور از نهر غزیه شد یعنی برابر اند که هنگام عبور از نهر معن زیاد بود و با کشته بر و ای
خطبه از نظر هانا پدید شد چون در صد جسیجو او بر آمدند او و عرب بن ساله این جور داد پدید که هر دو کشته شده و
جسد هر دو در کنار نهر افتاده احتمال دادند که این هر دو یکدیگر را کشته اند و بعد از خطبه موجب صبت او پیش رفتن
خطبه جای او را بگرفت خروج محمد بن خالد بن عبدالله المشری در کوفه و بیرون کردن عامل ابن هبیره را از کوفه و آمدن
حسن بن خطبه بکوفه و عامل کردن محمد بن خالد در کوفه و رفتن بواسطه بیزم قتال با ابن هبیره که محمد بن خالد معروف
یا میر در کوفه حکومت داشت ابو العباس سقاح ظهور کرد بیعت کردن مردم با ابو العباس سقاح که اسمش عبدالله بن محمد
علی بن عبدالله بن عباس بود ربیع الاول پادربیع الآخر در کوفه بیعت نکرد چون مروان ابراهیم امام را حبس کرد و
ابراهیم خود را در حالت قنط بد برای اهل خود پیغام داد که اطاعتش با ابو العباس برادر او را نمایند و ابو العباس خلیفه
باشد و اهل بیت ابراهیم با ابو العباس از حبه بکوفه روند و ابو العباس برادر خود ابو جعفر منصور و اهل بیت ابراهیم
در ماه صفر بکوفه آمدند و ناما ربیع الاول پادربیع الآخر در کوفه پنهان بودند بعد ظاهر شده و مردم ابو العباس را بخلافت
تعیین کردند و او داخل دارالاماره شد بعد مسجد رفت خطبه خواند و امامت کرد و ابو جعفر را در مسجد نشاند بر ای

از مردم بعثت گرفت بعد ابو العباس از کوفه خارج شد در حام اعین ارد و زود عم خود داوین علی را و الی کوفه کرد و در آنوقت
 عبدالله بن بسام حاجب ابو القباس سقاح بود پس از آن سقاح عم خود عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس را بشهر زور فرستاد
 و اهل شهر با طاعت بن عباس بودند و برادر زاده خود عیسی بن موسی بن محمد را نزد حسن بن خطبه فرستاد و حسن در
 اینوقت ابن هبیره را محصور کرده بود نیز سقاح بجای جعفر بن تمام بن عباس را بمبادین نزد حمید بن خطبه برادر حسن
 فرستاد و خود سقاح بکاه در اردوی خود نوقف کرده بعد بشهر هاشمیه کوفه آمده در فضا امارت نزل نمود
 اقامت در آن بن محمد بن مروان الحکم بن العاص که چهاردهمین خلیفه اموی و آخرین خلیفه از بنو امیه و ملقب بجاد و مؤلف
 بر مروان جعدی بود از حران بمغانه ابوعون عبدالملک بن یزید از دی که از جانب بنی عباس در شهر زور بود و
 اسبانی یافته انهاض کرد و با صد و بیست هزار نفر روانه شده تا رسید بزاب و در اینجا خندق برای عساکر خود
 حفر کرد ابو عون نیز از شهر زور بآمد و سقاح ابو عون را حبس کرد که کرد که سرداران عبدالله بن علی عم
 سقاح بو و سلمه بن محمد بن عبدالله الطافی نیز در این فتنه بو و چون عبدالله بابی عون پوسنای عون سرپرده
 خود را خاتمه عبدالله کرد خود در عدد عساکر درآمد پس از آن مروان حبیبی بر نهر زاب بستر از آن عبور کرد و با
 عبدالله مشغول قتال شد و عساکر عبدالله بیستم هزار پاکتر بودند و جنگ شدیدی با مروان کرده او را شکست
 دادند و این در یازدهم جمادی الاخره بود و مروان بموصل گریخت اهل موصل او را سب کردند و او را بدحران
 آمد و چند روزی در اینجا مانده و عساکر سقاح که او را غایب می نمودند بخران رسیدند و باز او را هر بیست دادند
 او بصر رفت و از حصر بدمشق و از دمشق بقلسطن راند و عبدالله بن علی او را غایب کرده دمشق را محاصره
 نمود و در پنجم رمضان فتح کرد و بقلسطن شناخت در اینجا نامه سقاح باور سپید که نوشته بو عبدالله بن علی
 برادر خود صالح بن علی را بغایب مروان مامور کند عبدالله صالح را بغایب مروان فرستاد و صالح او را غایب میکرد
 ناد روحالی ببل مصر در کنیسه بوسیله اعمال مصر باور سپید هم امان مروان را میزیم نمود شخصی مروان را بن خیم
 نیزه از یاد آورد و اناقر و شوی از اهل کوفه سر مروان ببرد و بنزد صالح آورد و دولت بنی امیه منقرض شد و این در
 بیست و هفتم ذیحجه بود عمر مروان شصت و دو سال و مدت خلافتش پنجاه و دو ماه و پانزده روز بود بالجمله
 صالح ابو عون را حکومت مصر داده بشام برگشت و سر مروان را برای سقاح فرستاد و عبدالله و عبدالله پسران
 مروان بجلشه گریختند و حبشها با انها جنگ کرده عبدالله را کشتند و عبدالله بن جاث با فتنه بودند تا خلافت
 مهدي که نصر بن محمد بن اشعث عامل فلسطین او را گرفت نزد مهدي فرستاد کشته شدن سلیمان بن هشام بن عبدالله
 با مر سقاح در صوبه بکه او را امان داده کویند روزی نمود با سفناد نفر از بنی امیه در دمشق در مجلس عبدالله بن علی
 عبدالله بن عباس حاضر بودند مثل عبدالله از موالی بنی هاشم وارد مجلس شده اشعاری خواند که مضامین آن از
 ظلم بنی امیه بجهت سید الشهداء علیه السلام و بنی امیه بنی امیه و سایر بنی هاشم و غیره اشعار میکرد و عبدالله را
 بر اسقام نهر بصره می نمود عبدالله در غضب شده حکم کرد با چوبه شوی جمیع اعضای آن هفتاد با نو نفر را کشتند
 و آنها را انداخته کلم روی آنها پهن نمودند و خوان طعام روان کلم کسودند و بر روی آنها نشسته غذا می خوردند
 و از زیر پای آنها بجز این را می پشیدند و چند نکتد شکه تمام مجروحین می برند و عبدالله امر کرد ببنو بنو امیه را
 در دمشق بنشین نمودند از جمله قریه ما و بنی بزابی سفیان و یزید بن معاویه و قبر عبدالملک بن مروان و قبر هشام بن
 عبدالملک را نشکرده جسد آخری چون صبحی بود آن را آویختند و بعد بسوختند و بعد از آن بنو امیه را میکشند

و بر احد ایفام نمودند و کسی از آنها زنده نماند مگر بعضی از اطفال رضيع و آنها شکم با نعلس کردند چنانچه چنين سلیمان
 علی بن عبدالله بن عباس جمعی از بنی امیه را در بصره بکشت و جسد آنها را در راهها انداخته طعمه سگها نمودند در
 سال ابوالورد بن کوثر از اصحاب مروان بعد از آنکه در اطاعت بنی عباس درآمد بود بنای عصبان گذاشت عبدالله بن
 علی بن عبدالله بن عباس بالشکر جلای مثنوی او شده و او در قفس بن بود پس از جنگ شد بد فتنون ابی و در منبر شدند
 و خود او جنگ کرد تا کشته شد و اهل قفس بر امان یافته مجدداً با عبدالله بیعت کردند و او بد مشور مراجهت کرد و اهل دمشق
 طغیان نمود و اهل عبدالله را غارت کرده چون عبدالله بد مشور نزدیک شد طاعیان کردند چنانچه و عبدالله بعد از آنها را امان
 داد و الی کردن سقاح بچی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادر خود را بموصل و چون اهل موصل سرکشی نموده حاکم خود را
 برون کرده بودند بچی یازده هزار مرد از آنها کشت حکم قبیل زمان و اطفال نمود و سرداری بچی بود که چهار هزار
 با او بود که در زن از اهل موصل بچی گفت ما را عاری آید از سکه زنگیها از نهای عرب است و بچی گفت بچی قبول او عمل کرده جمیع
 بکشت و کشت آن سقاح برادر خود ابانصوری را بر خریره و آذربایجان و در مینیه والی کردن سقاح عم خود را و در وقت
 و مکه و مین و پامه دادن سقاح و کاپ کوفه و سواد آنرا بپسر برادر خود عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس
 والی شام عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس و والی مصر ابو عون بن زید بود و ابو مسلم خراسان در خراسان حکم این داشت
 و وزارت مالیه با خالد بن برمک بود کشته شدن ابی سلمة الخلال معروف بوزیر آل محمد با اشاره سقاح کشته شدن
 سلیمان بن کثیر را بر ابی مسلم خراسانی که اینجاست اسباب کینه ابو جعفر سقاح نسبت با بی مسلم شد و وفات عبدالله بن عمار
 بن کثیران الرمدانی از عباد و فتنهای اهل مین

۷۵۰ مسیحی

سند ابریه

اسیاء والی کردن سقاح عم خود سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را بر بصره و در سنا و در جله و بحرین و عمان و مهر یافتند
 دادن سقاح حکومت اهواز را بعم خود استغیث علی بن عبدالله بن عباس و وفات داود بن علی سقاح در مدینه و نصب کردن
 سقاح زیاد بن عبدالله حارثه را بجای او عزل کردن سقاح برادر خود بچی را از حکومت موصل بچهره کثرت فتنه که در مین
 و لا بشکرده بود و نصب کردن عم خود اسمعیل بن علی را بجای او و فرستادن ابو مسلم زیاد بن صالح را بجنگ پادشاه سناش
 (چاچ) و آخشد و فرغانه و غلبه زیاد بر پیش از اسیر پایا غلبه استیلائی سطنطنین امپراطور قسطنطنیه و با اطفال و ملقبه
 که چنانچه عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک بن مروان با نعلس و پید پر فتن امرای بنی امیه که در اندلس بودند
 او را و حکومت فشن او که سالهای درازان مملکت او را و او را بود و ابتدای دولت آل مروان در اندلس در سال ۱۳۱ هجری شد

۷۵۱ مسیحی

سند ابریه

اسیاء سقاح دار الخلافه را از چهره کوفه با بنابر مخالف مسلم بن ابراهیم بن بسام که از خراسان بود و رفتن با
 جماعتی بدان و فرستادن سقاح خازین خزیره را بند بر آنها و منبرم شدن بسام و همراهان او بعد از قتال شد
 مأمور شدن سقاح بجنگ خوارج و آمدن بصره و رفتن بواسطه سفایر بجزیره برواکان و فرستادن خازم فضل بن
 نغم الهشیر را با پانصد نفر جنگ شبان بن عبدالغزیز و کرچین تپینا بعد از قتال شد بواسطه سفایر بچان با
 همراهان او که صفرته بودند و مقاتله جنگ با شبان و کشته شدن او و جنگ کردن خازم در سواحل عمان با
 جلندی و کشتن او و جمع کثیری از خوارج را و چند ماه خازم در اینجا بود تا سقاح او را احضار کرد جنگ ابوداؤد
 خالد بن ابراهیم با اهل کس و کشته شدن او در پادشاه کس و بسیاری از همراهان او و کوفتن او و او را از آنها از امغه

نفسه چنين مقدار زيادي فرستادن براي ابو مسلم كه در سمرقند بود و كشتن بسيار از دهافين كس و پادشاهان
 طاران برادر اخري را در كوش و مغانله ابو مسلم با اهل سفند و بخارا و امر كردن به بناي سوره سمرقند و والي كردن زياد بن
 صلح را بر سمرقند و بخارا و برگشتن بمر و مراجعت كردن ابو داود ببلخ مأمور كردن سفاح موسي بن كعب بن سنان بچنگ
 منصور بن جمهور و مهنه شدن منصور و در بگز از كشتن كردن و فائق محمد بن زهير بن عبدالله عامل بن و نصب
 كردن سفاح علي بن ربيع بن عبدالله را بجاي او نصب كردن مبلها و منارها از كوفه تا مکه و فائق محمد بن اسمعيل بن
 سعد بن ابوقحافه و سعد بن عمر بن مسلم الزهري

سده ۷۵۲ هجری

سده ۳۵ هجری

اسيا و فائق يحيى را در سفاح فارس كه پس از عزل از موصل با بنو لايت نصب شده بود خروج كردن زياد بن صلح
 در ماوراء النهر و توجه ابو مسلم بخاسا و شرك كردن بغير زياد او را و ملحق شدن با ابو مسلم و پناه بردن زياد
 بد هفاني و كشتن دهفان او را و فرستادن سر او براي ابو مسلم و فائق عطاء بن عبدالله از موالي مطلب با مهاب
 و فائق ابو خازم لمرج امرا يا جنگ عبدالله بن حبيب با اهل خيبره صفليه پس از جنگ با اهالي نلسا و گرفتن
 زيادى از اهل خيبره صفليه

سده ۷۵۳ هجری

سده ۳۶ هجری

اسيا استنذان ابو مسلم از سفاح كه بخدمت خليفه آيد و حج گذارد و اذن سفاح او را و رفتن ابو مسلم
 بكمج ابو جعفر منصور كه در اينسال امير حجاج بود و فائق سفاح اولين خليفه عباسى در اينبار در ماه ذىحجه در
 سى و سه سالگى كه مدت خلافتش از وقت كشته شدن مروان چهار سال بود و هشت ماه قبل از نيل مروان
 با او بيعت كرده بودند و در اينبار عتيق مديون شد خلافت منصور برادر سفاح كه وليعهد او بود و در وفات
 سفاح منصور سفير بكمج و حج اشغال داشت و گرفتن عيسى بن موسى بن محمد بن علي بن عبدالله برادر زاده او بچنان
 براي او بيعت كردن ابو مسلم با ابو جعفر منصور كه در حج با ابو جعفر همراهى داشت و بيعت كردن عامر ناس با ابو
 جعفر و فائق عطاء بن سائب ابو زيد الثقفى و عروه بن روم

سده ۷۵۴ هجری

سده ۳۷ هجری

اسيا آمدن ابو جعفر منصور از مکه بكونه و نماز جمع خواندن با مردم كه با او اقتدا كردند و خصم خواندن او
 در مسجد و رفتن با بنابر بيعت گرفتن عم منصور عبدالله بن علي بن عبدالله بن عباس از مردم براي خودش بخلافت
 و فرستادن منصور ابو مسلم را بچنگ عبدالله كه در نصيبين بود و نوع جنگهاي سخت بين فسين كه امر عبدالله
 هزيمت پافت و بطرف عراق رفت و چون ابو مسلم از كار عبدالله فراغت پافت ابو جعفر منصور او را بولايت مصر
 و شام امر كرد ابو مسلم قبول نكرده فصد رفتن خراسان نمود منصور از ايمان بماند اما بنامده ناصر با ابو مسلم نشست
 او را احضار نمود ابو جعفر را آورد و بخدمت منصور بنامد و امر اسلاط بنماين زياد شد اخرا لامر ابو مسلم بماند اما بنامده منصور
 حاضر شد و سه هزار نفر از عساکر او با او بود و باقى را بجلوان گذاشتند روز اول كه بار پافت دست منصور را بوسيدند
 و باز كشتند و ز عبدالله منصور چند نفر از فراوان خود را حكم كرد پست و از حاضر باشند و هر وقت منصور دستهاي خود
 را بهم زد داخل شوند و ابو مسلم را بگشتند نگاه ابو مسلم را احضار كرد و تقصير او را بر او ميسر كرد و ابو مسلم عذر
 ميخواست نگاه منصور دستهاي خود را بهم زد و فراوان داخل شده ابو مسلم را كشتند و اين در ماه شعبان بود

و ابو داود خالد بن ابراهیم در نوقت بحکومت خراسان اشغال داشت خراج سبناج موسی بن جوعخواهی ابو مسلم و کشته شد
او خراج ملبد بن هرمله شیبیاد در جزیره و جنگهای متوالی او با عساکر خلفه

سنة ۷۵۵ هجری

سنة ۳۱ هجری

اسیاء و سعید بن منصور مسجد الحرام را عیاش جاهل و بن مراد العجلی و فرستادن منصور محمد بن اشعث را کشته شد
جنگ وندهراد و مقاتله فتنین در قصر فیروزان میان اصفهان و روی و فرزند سیاحه و فرزند جهو با ذریه باجیان و کشته
شدن او فرستادن منصور خازم بن فریهر را با هشت هزار نفر از عساکر مرو و در دفع ملبد بن هرمله شیبیاد جنگ
شد با فتنین در موصل و کشته شدن ملبد و مفرق شدن بقية السیف سپاه او بعبت عبدالله بن علی با منصور و عبدالله
با برادرش سلیمان مقیم عراق بود وقت سواد بن رفاعة بن ابی الکافر طبرستان و سعید بن جهنم ابی حفصه الایلی از رویا
آمدن قسطنطین امپراطور قسطنطنیه به بلاد اسلام و گرفتن ملبد بن بغلیه و خراب کردن باروی این بلاد جنگ عباس بن
محمد بن علی بن عبدالله بن عباس با امرای صالح بن علی بن عیسی بن علی با روی و مپها و بنا کردن صالح با روی ملبد و بعضی این
واقعه را نسبت به سال بعد داده اند

سنة ۷۵۶ هجری

سنة ۳۲ هجری

اسیاء عزل کردن منصور سلیمان عم خود را از حکومت و معدوم کردن عم خود عبدالله برادر سلیمان را که در بصره از
خوف منصور پنهان شده و بعد با سلیمان و عیسی سپهران علی بن عبدالله بن عباس نزد منصور آمد نصیب سفیان بن معاویه
حکومت بصره بجای سلیمان امیر ایسیلای عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک بن مروان بن حکم در اندلس
انندای و ولت ناموتی در این مملکت که از تحت حکم ابن بنی عباس خارج کرد بدو گویند عبدالرحمن از بن بنی عباس مصر کجفت
و از مصر مغرب رو کرده و از مغرب منوجه اسپانول شد و در این سلطنت با فرستادن بعضی این واقعه را نسبت به سال
داده اند (رم) تا اینستا پاپ فقطر با ست مدعی داشت از این بعد در پاست حتما از این پاست و حانی الحان کرده وضع
سلطنت بهر ساند ست بونی فاس زانم عیسو در مملکت ژرمن که پیشتر نبودند مقبول شد

سنة ۷۵۷ هجری

سنة ۳۳ هجری

اسیاء اهل کتابی باود خالد بن ابراهیم الفیله حکمران خراسان و ولایت عبدالجبار بن عبدالرحمن از دی بجای او
ج کردن منصور و عمر شدن از چهره و پس از پنج رقتن به بینا المقدس و از آنجا برقه و کشتن منصور بن جوع عالمی را
در اینجا و مراجعت نمودن بهاشتمه کوفه امر کردن منصور بعمار بن غدون مدینه مصیبه که بمباشرت جبرئیل بن
با انجام رسید و باروی آن ساختن شده موسی بن غفوره کرد بدو مسجد جامع در آن بنا و در این شهر و هزار نفر کشته
شدند شهر برای ساخلم مفرق شدند فرستادن منصور عبدالوقاب بن ابراهیم امام برادر زاده خود را با حسن بن فحطه
و هفتاد هزار نفر مرد جنگی ملبد که در ششماه این شهر را ساختند و هر چه در و مپها خراب کرده بودند مرتفع نمودند
و چهار هزار نفر لشکر منصور خلوی این شهر قرار داد و اسلحه زیاد در اینجا ذخیره کرده و لعه فلوز بهر را ساختند
امپراطور قسطنطین چون خبر عبدالوقاب و حسن بن فحطه را شنید با صد هزار فتنه منوجه آنها کرد بدو بخار و جهان
فرود آمد و در اینجا کثرین سلهین معلوم او شده بر کشتن فتنه ابو جعفر محمد بن عبدالله الاسکافی از متکلمین معتزله
و ائمه آنها که طایفه باو منسوب اند امیر ایسیا مخالفن پوسف فخر که امارت اندلس داشت با عبدالرحمن اموی و
مقاتله شد با او ماکاشته کار عبدالرحمن و فریشتا و که در بلاد سه کردان بود اما در سنه چهل و دو کشته شد هلاک

اذ نفس کمر در قمنی از اسپانیا سلطنت داشت و جلوس نیک و پلید پسرش بجای او کرد زباده از پدرش فوت یافتند و
مسلمین را از بعض بلاد و شعور براند

سده هجری

سده ۷۵

اسیا خزیج را وندب بر منصور و را وندب اهل خراسان و در طریقه ابو مسلم بودند و معتقد ناسخ و عقیدت آنها
این بود که روح آدم در عثمان بن عفان است و پروردگاری که آنها را روزی میدهد منصور خلیفه است خلاصه اینچنین است
شخصی نفر بودند چون بر دفر خلیفه آمدند گفتند انقدر پروردگار ما منصور بود و پست نفران در و ساء آنها را جلوس کرد
سایرین در غضب شده اجازه را اهل کردند و بهانه تیشیع اجازه بر دعبس آمدند و در اسکنه روستای خواران
گودند و فصد منصور نمودند منصور بدفع آنها بیرون آمد و معن بن زبده که از منصور نواری بود بیرون آمده در
منصور جنگ کرده آنها را بکشت و بجهنم موذ القات منصور شد و را وندب تمام آکنه شدند طغان عین الجبار
والی خراسان و فرستادن منصور مهند پسر خود را باین ملک و مغانله اهل مرورد و با عبد الجبار و گرفتار او
فرستادن او نزد منصور که حکم منصور کشته شد و توجه عساکر هک با منصور بطبرستان و جنگهای سخت خازم بن
در این مملکت با اسپهبد و مصمنا حکمران دماوند و فتح کرد و دیوان و دماوند و غیره را عزل زباده بن عبدالله حرلی از
مکه و مدینه و طایف و نصب محمد بن خالد بن عبدالله الفرس حکومت مدینه و حکومت هشتم بن معاویه العنکلی از اهل
خراسان بر مکه و طایف و قات موسی بن کعب از امای منصور و قات سعد بن سعید بر ادب و عین بن سعید و قات ابان بن
قلب قاری

سده هجری

سده ۷۵

اسیا و قات سلیمان بن علی عم منصور که حکومت بصره داشت طغان عین بن موسی بن کعب حکمران سند و فرستادن
منصور لشکری بنده بر او دادند حکومت این مملکت را بر عین بن حفص بن کعب صفراء العنکلی که بسند آمده و غلبه بر این مملکت
نقض عهد خلافا اسپهبد طبرستان و مفهوشدن او بدست عساکر خلیفه خود را بخوردن زهر هلاک کردن عزل و
بن فرات از مصر و ولایت حمید بن خطیب بجای او و ولایت عباس بن محمد برادر منصور در جزیره و شعور و غیره عزرا اسمعیل بن
علی عم منصور از موصل که مالک بن هشتم خزاعی جدا حد بن نصر که واثق او را بکشت بجای اسمعیل منصور شد و قات موسی
عبد از موالی آل زبیر و حمید طویل بصره **امیر** پادشاه عبدالرحمن اموی قبول لقب امیر المؤمنین کرده این لقب را فقط خاص
خلفای بن عباس دانستند خطاب امیری شها راضی کردید و از عیسویان شمال جزیره گرفتند قمنی از خاک فرانسه که در
نصف اعراب بود از نضرها آنها خارج کردید

سده هجری

سده ۷۶

اسیا طغان دیلم و کتن بسیار از مسلمین و غیر بن منصور مردم را بر جهاد باد دیلم عزل هشتم بن معاویه از مکه و طایف
و ولایت شرین عبدالله بن حرث بن عباس که حکومت همام داشت بجای او و حکومت هشتم بن عباس بن عبدالله در همام عزرا
حمید بن خطیب از مصر و نصب نون بن فرات بجای او که نون مغزول شده بر بد بن حاتم حکومت مصر یافت و قات عبدالرحمن
عطاء صاحب الشارعه (شارع فخری است) و قات سلیمان بن طرخان تمیمی و اشعث بن سوار و مجالد بن سعید شروع اهل
اسلام در طلب علوم خاصه فقه و تفسیر و حدیث **امیر** پادشاه طغان و مخالف زونی بن نغان غنشا با عبدالرحمن
حکمران اندلس و مقتول شدن زونی

مستند

سنة هجرية

سنة هجرية

اسیما فرستادن منصور و عیسی از اهل کوفه و بصره و یزید و یوحنا بن عیسی و امام و دادن حکومت بنام زین العابدین ابی القاسم
 مراجهت همدان و خراسان و مزار و جسا و باور بطنه و سقاغ دانست منصور حکومت همدان به رباح بن عثمان المری و معز و
 کردن محمد بن خالد بن عبدالله الفهری و از انبولا بن حبس کریم رباح بن حکم منصور بازده نفر از بنی الحسن علی بن ابیطالب
 علی بن ابی طالب و فاطم بن عبدالله بن شریه و عمر بن عبید معز بن زاهد و غنبل بن خالد صاحب الزمری امریای مخالفند
 قتال هشام بن عدده الفهری و یوسف بن عبدالرحمن الفهری با عبدالرحمن اموی حکمران اندلس بنای باغات و عمارت
 در شهر سوادیه زمان عبدالرحمن

سنة هجرية

سنة هجرية

اسیما ظهور محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام و اسبلائی او بر همدان و مابقی اهل مدینه
 و فرستادن منصور عیسی بن موسی برادر زاده خود بمدینه بحکومت و حاضر کردن محمد خندقی بجای همان خندقی
 که حضرت رسول در جنگ اعراب مرتب کرده بودند و وقوع جنگها بین قسین و کشته شدن محمد بن عبدالله
 و بعضی از اصحاب و اهل بیت او و فرار بعضی دیگر و این محمد لقب محمدی و نفس زکیه بود ابتدا کردن منصور بن
 بغداد را بجهت اینکه گرافت داشت از ساکن بودن در هاشمیه که سقاغ برادرش در حوالی کوفه بنا کرده بود و نیز
 مجاورت اهل کوفه مگر او بود و بر آنها اعتمادی نداشت ظهور ابراهیم بن عبدالله برادر نفس زکیه که پنهان بود
 و این شهر آن شهر مرفه و منصور اصراری بدستگیری کردن او داشت و رسیدن او بصره بدین اینکه از کشته شدن
 نفس زکیه با خبر باشد خواندن مردم را به بیعت نفس زکیه و اجابت مردم و علماء و فقهاء او را که بیعت او بچهار هزار
 نفر رسیدند و متحقی شدن سفیان بن معاویه حاکم بصره در دار الاماره و محاصره کردن ابراهیم او را و امان خوان
 سفیان از ابراهیم و امان یافتن و داخل شدن ابراهیم بدار الاماره و بصرف کردن بی المال را که دو هزار درهم
 در آن بود و تقسیم کردن نفوذ را با اصحاب خود که بهر یک پنجاه درهم داد و رفتن بخانه زینب خنجر سلیمان بن علی
 عبدالله بن عباس که زینب بن علی از بنی عباس با او منسوب اند و امان دادن با اهل بصره که کسی متعرض آنها نشود پس
 اسفند در بصره ابراهیم جماعتی را با هو از فرستاده بر انبولا بن منصور شدند و فرستادن هر دو شعلی علی را
 با هفت هزار نفر بواسطه گرفتن هر دو و اسطرا و فرستادن ابراهیم از بصره عمال و جوش با طرف ناز و تکیه
 خبر کشته شدن نفس زکیه باور سپید بعد از آن با صلح هزار نفر متوجه کوفه شده با خبر که از کوفه و در شان
 فرمخی کوفه است فرود آمد و منصور عیسی بن موسی را که از حجاز احضار کرده بود بالشکره جلو ابراهیم فرستاد
 جنگ شد یک بین قسین در گرفتار ابتدا بیشتر از عساکر عیسی فرار کردند بعد بر کشتند و لشکر ابراهیم را شکستند
 و ابراهیم کشته شد و سرش را بریده نزد عیسی فرستادند او نزد منصور فرستاد و این در ماه ذی قعدة اینستا
 بود مقاتله نزل و غزدر باب الابواب با مسلمین عزل کردن منصور مالک بن هشام را از موصل و فرستادن پسر
 خود جعفر بن ابی جعفر منصور را با هم راهی عربین عبدالله که از اکابر سرداران منصور بود بوصول تولد زینب
 دختر جعفر بن زوجه هر دو را شهید و فاطم بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در حبس منصور و فاطم
 میمون بن مهران و فاطم اسمعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام و عبدالله بن علی بن ابی طالب و در روزی در حجاز
 امریای اعلام بن مغشای حبسی و الی مغشای حکم منصور فثونی مجاریه عبدالرحمن اموی با سپاه بنول کشیده

بعد از جنگ سخت سردار خلیفه عباسی مقبول و عبدالرحمن فاتح و غالب آمد

سنة هجری

سنة مسیحی ۷۶۳

اسیما نقل کردن منصور دار الخلافه را از مدینه این هیره بغداد و تکمیل عمارت این شهر گویند که منصور شهر بغداد را مدور ساخت و خبر بود که فرب و بعد جمیع اهل شهر سلطان از روی ناسب باشد و قصر خود را در وسط شهر قرار داده و جامع شهر را در پهلوی قصر عزل کردن منصور مسلم بن قتیبه را از بصره و نصب نمودن محمد بن سلیمان را بجای او عزل عبدالله بن ربیع حارث از مدینه و نصب جعفر بن سلیمان بجای او عزل سری بن عبدالله از مکه و نصب عبدالصمد بن علی بجای او و قاتلین سابق کلبی ثنابه و عوف عوانی و طلحة بن یحیی بن طلحة بن عبدالله تمیم کونی اموی پایا جنگ جعفر بن خنظل البهرانی و مالک بن عبدالختیمی که اهل فلسطین بود بار و سپاهی و صهب السفیری

سنة هجری

سنة مسیحی ۷۶۴

اسیما خلع کردن منصور علی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادر زاده خود را از ولایت عهد و عین گرفتن از برای پسر خود مهدی بن منصور حمله کردن اسر خان خوارزمی با انالد در ناحیه ارمینیه بر سلبین و اسیر کردن جمعی و فرستادن منصور جیرا پهل بن یحیی و حرب بن عبدالله را بمغانه آنها که حرب کشته شد و جیرا پهل منفر مکرر بد جمع کثیری از هراهمان جیرا پهل بقتل رسیدند و قات عبدالله بن علی عم منصور و قات محمد بن ابی العباس و قات شعیب بن عبد الملك الحمرانی البصری و عبدالرحمن بن زبید بن الحرث الپامی ابوالاشعث الکوفی و لادن حضرت امام رضا علیه السلام و قات ابی علی ثابی و سلیمان بن مهران معروف باعش ثابی

سنة هجری

سنة مسیحی ۷۶۵

اسیما تولد فضل بن یحیی بن خالد بن برمک تولد هرون الرشید و بعد از تولد فضل که مادر رشید فضل را شپرداد دادن منصور و ولایت موصل را بمخالد بن برمک و قات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هشاد اسیما و لادن با سعادت آنحضرت بود و در بقیع مدفون شدند و مادر آنحضرت دختر فاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق بود بعضی و قات حضرت امام جعفر صادق و ولاد حضرت رضا سلام الله علیهما را در یکسال نوشته اند و قات محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی فاضل مزوج حسان بن محالد بن یحیی بن مالک الجدید الهدانی از علمای خوارج در نوای موصل و قات زکریا بن ابی زانده و ابوامیه عمرو بن حرث بن یعقوب از موالی قیس بن سعد بن عباده بقولی اموی پایا خروج سعید عجمی معروف بمطری و اندلس و غلبه عبدالرحمن اموی بر او و نیز غلبه عبدالرحمن بر عبدالله بن غزاشه الاسدی که در کوه جهان خروج کرده و بر قرطبه حمله نموده بود و فریقا دادن منصور و ولایت فرقیقه را با غلبت

سنة هجری

سنة مسیحی ۷۶۶

اسیما تمام کردن منصور باروی بغداد را با خندق و سایر انبیه لازم برای شهر و قات مسلم بن قتیبه با اهل مکه از مشاهیر بود در ری و قات کوش بن الحسن ابوالحسن القیم البصری و علی بن عمر الثقفی الخوی که خلیل خورا از او فرا گرفته بود اموی پایا (اسپانیا) بنای حصار دور شهر کرد و بحکم عبدالرحمن اموی حکمران اندلس کرد و همان شهر است که اعراب قرطبه مینامند) فرستادن عبدالرحمن بد رطلام خود ببلادی که در تبعث او بودند و کوفتن بند چیز از آنها معزول کردن عبدالرحمن ابوالصباح حمی بن یحیی حاکم اشبلیه را و مخالفان ابوالصباح و حاضر کردن عبدالرحمن

اورا بجله و کشتن او (رومیه الصغری) جنک عباس بن محمد بار و میها که حسن بن فحطیه و محمد بن اشعث در این سفر با او بودند و محمد در راه درگذشت

شماره هجری

سند مسیحی

اسیما خروج اسناد سبب یا اهل هرات و بادغیس و سجستان و غیرها و فرستادن منصور که در اذان بود خازم بن خزنه نزد مهدی و مامور کردن مهدی خازم را جنک اسناد سبب که او را معفو و فراری کرد و کشته شدن ختم مروزی طر منصور در جنک غزل کردن منصور جعفر بن سلیمان را از مدینه و نصب نمودن حسن بن زید بن حسن را بجای او و وفات جعفر بن ابوجعفر منصور و وفات امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت در بغداد و عمر بن راشد و عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج و مقاتل بن سلیمان البلی المفسر و وفات محمد بن اسحق صاحب غازی و بعضی وفات او در سال بعد گفته اند **اسپانیا** (اسپانیا) فزوح عنات بن مسهر در بعضی از نواحی اندلس و فرستادن عبدالرحمن لشکر بجوار بدخ و کر او را بکشتند و جمعیت او را مغزق کردند (رومیه الصغری) میگرد شدن خلیج قسطنطنیه از شدت سرما

شماره هجری

سند مسیحی

اسیما و الی کردن منصور هشام بن عمر الثعلبی (الثعلبی) را بر سندی و غزل کردن عمر بن حفص بن بشیر بن ابی صفر را از ولایت سند و دادن ولایت افریقیه را با او و این عمر معروف به زهر مرد بود بنا کردن منصور صافه را (عجله است در بغداد) در جانب شرقی بغداد برای مهدی پسر خود و دستنه از فثون را در صافه جادادن و حال شهر بغداد در آن مکان کشته شدن معز بن زاید شیبانی در بستان سجستان بدست خوارج که بخانه او در میخند و در بین آنکه حجامت میکرد او را کشتند و معز از جانب منصور در سجستان حکومت داشت و بعد از او شیرین را در او زید بن مزید (مرشد) زاید شیبانی جای او گرفت رفتن عقبه بن مسلم حاکم بصره بمقاتله با اهل بحرین و کشتن سلیمان بن حکیم عدلی را و اسیر کردن اهل بحرین را که جمعی از اسرا را نزد منصور فرستاد و منصور بعضی از آنها را بکشت و برخی را بمهدی بخشید و مهدی آنها را رها کرد عزالدین معز از حکومت بصره و حکومت جاب بن یزید کلایه در این ولایت حکومت اسمعیل بن خالد بن عبدالله قسری در موصل و وفات عبدالله بن عون شیخ بصره و وفات اسید بن عبدالله امیر خراسان و خطله بن ابی سفیان حمیمی و علی بن صالح جوی بلاد حسن بن صالح که هر دو از اقبای اهل شیع بودند **اسپانیا** (فرانک) فوت پین و تقسیم مملکت او در میان دو پسرش شارک و کارلمان (اسپانیا) خروج شغنان بن عبدالواحد از اهل بصره در طرف شرق اندلس و اسم مادر شغنان فاطمه بود و شغنام مدعی بود که از اولاد فاطمه زهراء سلام الله علیها و امام حسین علیه السلام میباشد حال شغناسه سال با عساکر عبدالرحمن اموی با خود او جنک کرد و بسیار از بنی امیه را بکشت و خسارتها بد و لئ عبدالرحمن وارد آورد (رومیه الصغری) جنک عبدالوهاب بن ابراهیم امام بار و میها

شماره هجری

سند مسیحی

اسیما جنک حمید بن فحطیه در کابل و عهد را سال قبل منصور و ولایت خراسان داده بود عزالدین منصور جاب بن یزید را از بصره و حکومت زید بن منصور بجای او کشتن منصور هاشم بن اساجح را که در افریقیه مخالف منصور کرده بود عزالدین منصور زید بن حاتم را از مصر و نصب محمد بن سعید بجای او و وفات محمد بن عبدالله بن مسلم بن عبدالله بن شهاب برادر زاده شهاب هر سه و وفات یونس بن زید الاپلی و طلحه بن عمر الحضرمی و ابراهیم بن ابی جله **اسپانیا** جنک عبدالوهاب بن ابراهیم بار و میهای رومیه الصغری

سده هجری

سده سی و ششم

اسیما را بنام منصور از مکه بصره گرفتند و بصره را باقی و کسان او را گرفتند منصور اشخاصی را که کلاه بلند بر سر داشتند
وفات عبد بن بلال بن ایل قاضی کوفه و فضاوت شریک بن عبدالله التیمی در این شهر وفات هشام بن غازی و بیعت
الجرش و وفات حسن بن عماره و عبد الرحمن بن زید بن جابر و ثور بن زید و عبد الحمید بن جعفر بن عبدالله انصاری
و عتاک بن عثمان بن عبدالله بن خالد بن خزام و فطرن بن خلیفه الکونی امروپا جنک معیوف بن عیسی الحویری بادومهار و منه الصفری
و رسیدن او و فتنه شبکی از فراع روم و نهج اسپ کردن اهل قلعه بعد از آن راندن ناذق و گرفتن اسپرینا
و غارت نمودن اذقیه را از فریبا کشته شدن عمر بن حفص و الی افریقیه در جنک با خوارج

سده هجری

سده سی و هفتم

اسیما رفتن منصور بشام و بنی القدر سقوط صاعقه که پنج نفر را در مسجد حضرت رسول هلاک نمود هلاکت
ابو یوب و ریانی و زین بن منصور و برادر او و بریدن دست پای برادر زاده های ابو یوب حکم منصور حکومت عبد الملك بن
ابو بن طیب بن امیر در بصره فرستادن منصور زید بن حاتم بن فیصل بن المهلب بن ابی صفره را با پنجاه هزار لشکر به
خوارج افریقیه که عمر بن حفص را کشته بودند وفات عمرو بن العلاء بن عمار از اولاد حصین النعمی المازنی البصری که یک
از فرآء سبعة و اعلم ناس قرآن کریم بود وفات اشعث طامع و وهیب بن ورمکی از زهاد و محمد بن عبدالله الشیبی
التیمی و عثمان بن عطاء امروپا جنک زفر بن عاصم هلالی بار و مهارد و منه الصفری

سده هجری

سده سی و هشتم

اسیما با کردن منصور قلعه خند و برای بصره و کوفه فرستادن منصور مهد را برای ساختن دافتر که شهر است
کنار نهر فرات عزل کردن منصور برادر خود عباس بن محمد را از جزیره و نصب کردن موسی بن کعب بجای او عزل نمودن منصور
محمد بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را از کوفه و نصب کردن عمرو بن زهر بن خبیر برادر مستبک زهر بجای او عزل
کردن منصور حسن بن زید بن حسن بن علی را از حکومت مدینه و نصب کردن عبد الصمد بن علی عم خود را بجای او و وفات
مسعد بن کدام الکوفی الهلالی عزل کردن منصور عبد الملك بن ایوب بن طیبان را از حکومت بصره و نصب هشیم بن معوی
الطی بجای او امروپا (فزانک) وفات کارلمان و سلطنت بالاستقلال برادر او در غمام مملکت که بشارین ملقب
شد (رومه الصفری) جنک زید بن اسد السلی بار و مهیا طلب نمودن امیر طور روم از منصور مصالحه را با
جزیره افریقا فرستادن خوارج افریقیه در معانله با زید بن حاتم سردار منصور طغیان و انکار خوارج صفری
که در شهر بجای اسیر شده بودند از امارت عبید بن جری که بر آنها امیر بود و قبول کردن ابو القاسم سکون
و اسول الکاسی را با امارت بجای او

سده هجری

سده سی و نهم

اسیما گرفتن هشیم بن معوی به حاکم بصره عمرو بن سندار را که از جانب ابراهیم بن عبدالله بن علی حاکم فارس بود
و کشتن او عزل کردن منصور هشیم را از حکومت بصره که بعد از آن سوار قاضی امامت و فضاوت بصره داشت
سایر اعمال حکومتی بر عهد سعید بن علی موقوف آمد و چون هشیم بغداد رسید و گذشت وفات حسن بن حبیب
الزبای که یکی از فرآء سبعة بود امروپا (فزانک) ابتدای منازعه شارین با طاغیة ساکنین که بی مهال این
جنک افتاد یافت (اسپانول) مخالفت اهل اسپانیة با عبد الرحمن اموی بر پاست عبد الغفار و جوه بن ملاس

و اتفاقاً طایفه عیالیه با این جماعت فرستادن عبدالرحمن بن عمر خود عبد الملك بن عمر را که معروف به شهاب آل مروان بود
 مدعی مخالفین و غلبه بر آنها که خیلی مورد الثقات عبدالرحمن کردید و بدرجه وزارت رسید و ابن عبد الملك انکیست
 که عبدالرحمن را منع کرد از اینکه خطبه با اسم منصوب بخواند (رویه الصغری) جنک زفر بن عاصم هلاک بار و مهنا
 اوتیا غلبه قشون بنی بدین حاتم امیر از قبا عبدالرحمن بن حبیب که پدرش پیش از این امیر از بقیه بود و خود با
 خوارج مشغول شده دم از خود نگزد طغان ابو یحیی بن فانوس هواری در ناچه طرابلس مغلوب شدن او بدست عساکر
 بنی بدین حاتم که جمیع اتباع ابو یحیی کشته شدند و خود او فرار کرد و از بقیه بنی بدین حاتم را مسلم و مصفی کردید

سده هجری ۷۷۳ مسیحی

آسیا بنا کردن منصوب موسی و بجلد و نقل کردن بازارهای بغداد را بجله کرخ دادن منصوب حکومت
 بسید بن دجل که سپهر خود تمیم را با بنو لایث فرستاد سان دیدن منصوب لشکر خود را در حالیکه مسلح بودند خود
 نیز کلاه خود و زره بر سر و در بر داشت فاتی عامر بن اسمعیل السیسی و سوار بن عبدالله فاضل بصره که عبدالله بن
 حسن بن حسین عتبه بجای او بر فرار شد عزل محمد بن سلیمان کاتب از مصر و نصب مطر از موالی او بجای او عزل هشام
 عمر از سند و نصب عبد بن خلیل بجای او کشتن منصوب یحیی بن کرابی عتسب که بطبعن منصوب سخن رانده بود و فاتی
 عبدالقهاب بن ابراهیم امام بقول و فاتی ازاعی فقیه که اسم او عبدالرحمن بن عمرو و امام اهل شام بود (او زاع
 بنیله اینست از ذی کلاع با از همدان) و فاتی مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام جد زبیر بن بکاء اموی یا اسپانول
 عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانول بنادر معن از بقیه خود را مستحکم ساخت که علی الغفله بنی بدین حاتم که از جای
 منصوب والی از بقیه بود بملکت او فتدی نکند

سده هجری ۷۷۴ مسیحی

آسیا عزل کردن منصوب موسی که بجای از حکومت موصل و نصب کردن خالد بن برك را بجای او و دادن حکومت
 از دیاجان را بیحیی بن خالد دادن منصوب حکومت فارس را بنصر بن حرب بن عبدالله عزیمت منصور زبیر که
 معظه را که در بین راه در بئر میمون در ششم ذیحجه وفات نمود و مدت خلافتش تقریباً بیست و دو سال بود
 بیعت مردم بامهدی بن منصور سیمین خلیفه عباسی و فاتی مالک بن مغول الجلی در کوفه و چوه بن شرح بن مسلم
 الحضری مصری برز و بادری بعضی از بلاد عربستان اموی یا (اسپانول) جنک عبدالرحمن اموی پادشاه
 اسپانول در شهر قوریبه و لشکر کشیدن او بر سر طایفه بربر و کشتن جماعتی کثیر از این طایفه را بکذا و اینکه از
 عمال او کشتن دشمن او تسلیم نموده بودند

سده هجری ۷۷۵ مسیحی

آسیا ظهور مضع در خراسان که مردان عور کوفاه فتدی بود از اهل مرو و موسی حکیم و صورتی از طلا ساخته
 بر روی خود گذاشته و ببنوا مطر او را مضع می گفتند و دعوی الوهیت داشت میگفت خدا بی شاک آدم را
 خلق کرد و خود در صورت او آمد بعد در صورت نوح و همین طور تا در صورت ابومسلم خراسانی بعد در صورت
 هاشم که خود مضع باشد خلاص جمع کثیر در دور او جمع شده و او را سجده میکردند و این جماعت در طعه سپاه
 و سجز از رسانی کس مختص شده و طایفه بیضه از بخارا و سغد معاون او شده و کفار از اندلس با او جمع
 کردند بر مسلمانی که مکندند و امال بخارا را از مندی تا کجا رفت بعضی قصه که و فاتی نه که راست

کرد و با ابونعمان و جبند و لبث بن نصر اصحاب او چند مرتبه مقاله نمودند و حسان بن نمیم بن نصر بن سہار را و
 محمد بن نصر را کشند و در کار رساند بودند تا خلفه مہدک ابو عون را بجای مفتح فرستاده ابو عون در بنکار ابرامی نمود
 معاذ بن مسلم برای اینکار مقرر آمد عزل کردن مہدک اسمعیل را از کوفہ و نصب اسحق بن صباح کندی اشعری بجای او و بعضی
 بجای اسحق علی بن لثمان بن محمد بن خائب بن الحنفی را نوشتند عزل سعید بن دجاج را موریصره و عبد اللہ بن الحسن از امان
 ایشہر و نصب عبد الملک بن طیبان الغمیری بجای ایند و عزل قثم بن عباس از ہماہر و وفات او و نصب بشر بن منذر البجلی بجای
 او عزل ہشتم بن سعید از جزیرہ و نصب فضل بن صالح بجای او عزل مطر از موالی منصور از مصر و نصب ابو صفیرہ محمد بن سلیمان
 بجای او و ولایت حمزہ بن یحیی در سجستان و جبرائیل بن یحیی در سمرقند عزل عبد الصمد بن علی از مدینہ و نصب محمد بن عبد اللہ
 کثیری بجای او کرد و او هم عزل شد و محمد بن عبد اللہ بن محمد بن عبد الرحمن بن صفوان البجلی بجای او آمد بنا کردن مہدک فلعه و
 مسجد رصافہ را و حضر نمودن خندقان را و وفات سعید بن قلیل عامل مہدک در سند و حکومت روح بن حاتم در بن مملکت
 بصلتق ابو عبد اللہ و ضم مہدک و وفات ہمد بن خطبہ الی خراسان کہ بعد از او مہدک ابو عون عبد الملک بن یزید را والی
 این ولایت کرد بر قرار شد ثابت بن موسی ہاشمی خراج بصرہ حکومت نماز بن حمزہ در رستاق جملہ و اہواز و ولایت
 فارس امری پیا (روشنہ الصغری) جنک عباس بن محمد بار و مہما کہ حسن صیف در مقدمہ لشکر او بود و رسیدن
 عساکر اسلام نا افرہ و کوفہ بن یکی از شہرہای روشنہ الصغری را

ایوب بن

سند مسیحی ۷۷۶

سند ہجری

اسیما امر کن مہدک بر تہنبا آل زیاد کہ معاری بہ انہارا استلحاق نموده و خود را از فریش پیدا کنند بسوی
 رومی کہ غلام حارث بن کلدہ ثقفی و بموجب الوند الفرائش پد زیاد بود حج کردن مہدک و بدل اموال زیاد ب مردم وسیع
 نمودن مسجد رسول اللہ را و بردن حج بکے معظہ و وفات داود طائی زاهد از اصحاب ابو حنیفہ و وفات عبد الرحمن بن عبد
 بن عبید بن مسعود المسعودی و وفات خلیل بن احمد بصری بخوی اسناد سبک و خروج یوسف بن برہم در خراسان بر ضد
 مہدک و گرفتار شدن و قتل رسیدن او فتح شہر بار بلا در ہند بدست عساکر مہدی عزل ابو عون از خراسان
 و نصب معاذ بن مسلم بجای او و وفات عبد اللہ بن صفوان حاکم مدینہ و حکومت محمد بن عبد اللہ کثیری در این بلدہ طیبہ
 کہ او نیز عزل شد و زفر بن عامر ہلالی بجای او منصوب آمد خروج عبد السلام خارجی در نواحی موصل عزل ابسطا
 بن عمرو از کارگذاری سند و حکومت روح بن حاتم در این مملکت حکومت محمد بن سلیمان در رستاق جملہ و ولایت
 بحرین و عمان و فارس و اہواز و ولایت معاذ بن مسلم در خراسان امری پیا (سطنطنیہ) یکی از رؤسای طوائف نظر
 کہ بشہر بس بودند فرار از میان طاہفہ خود بقسطنطنیہ آمد قبول دین عیسوی نموده یکی از دخترهای سطنطنیہ
 در جالہ نکاح در آورد و این اول بلغاریہ است کہ عیسوی شدہ است

سند مسیحی ۷۷۷

سند ہجری

اسیما امر کن مہدی بساختن برکہا و سقاخانہ ہا در راہ مکر و بنجد پیلہا و کونہا کردن مہر ہا در بلاد
 کہ بوضع مہر حضرت رسول باشد و وفات سفینا ثوری کہ در سال نمود و ہفتہ منول شدہ بود و وفات ابراہیم بن
 ادہم بن منصور زاهد معروف منصور کہ در بلخ منول شدہ بود و در شام در گذشت جنک کردن سعید حوشی با
 اصحاب مفتح و محاصرہ کردن او را در سہام کہ چون عساکر خود را مغلوب بدید برای اینکہ دستگیر نشود خود را با اہل
 و عیال خود در قلعہ ہلاک کرد و چون سعید در قلعہ داخل شد بر واضع مطلع گردیدہ سر او را برید و برای مہدی

فرستاد و سر مفتح در سال صد و شصت و سه در حلب بمهدی رسید و از کارهای مفتح این بود که ماهی ساختن بود که در
 هوای بلند از خیل راه دیده میشد کشتن مهدی محمد پسر ابی عبدالله و ذریه که بهین جهت بعدها وحشی از ابی عبدالله
 در خاطر مهدی پدیدار آمد و لایق نصر بن محمد بن اشعث رسید غزل فضل بن صالح از جزیره و نصب عبدالقصد بن علی
 بجای او حکم ابن عیسی بن لثمان در مصر و یزید بن منصور در سواد کوه و حسان الشریعی در موصل و یسطام بن عمرو
 الخلی در آذربایجان و موسی هادی که ولایت عهد داشت **اروپا** (رومیة الصغری) جنگ تمامه بن ولید با او
 که در دابوئ نزول کرد و از رومیها هشاد هزار نفر کسر کردی مچنانکه حرکت کرده بمصر آمدند و ذل و ذار از نهبان نمودند
 و این شهر را محاصره نموده جنگ با سلیمان در انداختند پس از آن رومیها بچچان معاودت نکردند و این جزیره بمکه رسید
 و تجهیز جنگ بار و مہار نمود

سده سی و هفتم

سده هجری

اسیا کشته شدن عبدالسلام خارج و رفتن بدینست خود مہد جنگ یزید بن اسید شلمی در ناحیہ فالقیلا و رفتن
 سولعه در بغداد و غنایم بیضا غزل علی بن سلیمان از یمن و نصب عبدالله بن سلیمان بجای او غزل سلمه بن رجا از مصر
 ولایت عیسی بن لثمان در یمن مملکت که او نیز غزل شده واضح از موالی مہد حاکم شد و او هم مغزول کرد پده بچی الحمر
 منصوب گشت حکومت طبرستان و رومان در اینسال با سعید بن دعلج بود و جرجان با مهلهل بن صفوان بود
اروپا (اسپانول) جنگ شارلن با عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانول و شکست شارلن و قتل و ولایت
 و برادرزاده او در اینمعرکه کشته شدن عبدالرحمن بن مہدی معروف بصفیله در اندلس با اشاره عبدالرحمن زیاد
 اسفلال عبدالرحمن و ندیم بعضی عضاد را اسپانول

سده سی و هشتم

سده هجری

اسیا لشکر کشیدن مہد بن غزم جنگ بار و مہار و مینہ الصغری رفتن بالشکر خراسان و غیرها بجلب برون
 هرون الرشید پسر خود را با خود و کشتن بسیار از زاد فورا که در حلب جمع شده بودند و رفتن بچچان و غیر
 هرون را بیلا دروم و جنگ کردن او در این بلاد که فتوحات بسیار عساکر هرون نمودند و غلغله در بلاد روم انداختند
 بعد از آن هرون الرشید سالها غنایم را جنگ کرد و در مدت غنیمت مہد از بغداد پسرش موسی هادی جانشین او
 بود غزل کردن مہد در اتنای سفر خود عبدالقصد بن علی را از حکومت موصل دادن مہد ولایت تمام مغرب را
 بعلاوه آذربایجان و ارمینیه هرون الرشید و فرار دادن ثابت بن موسی را و وزیر مالیه هرون غزل زفر بن عامر
 از جزیره و نصب عبدالله بن صالح بجای او غزل معاذ بن مسلم از خراسان و نصب سبیب بن زہر الضبی بجای او غزل
 بچی الحمر از اصفهان و نصب حکم بن سعید بجای او غزل سعید بن دعلج از طبرستان و رومان و نصب عمر بن علاء
 بجای او غزل مهلهل بن صفوان از جرجان و نه هشام بن سعید بجای او و وفات ابراهیم بن طهمان بنشایور از اجله
 و فضلا در مکه و وفات ابوالاشهب جعفر بن طیمان و بکار بن شرح فاضی موصل

سده سی و نهم

سده هجری

اسیا غزل محمد بن سلیمان از بصره و سایر اعمالیکه داشت و نصب صالح بن داود بجای او غزل عبدالله بن سلیمان از یمن
 و نصب منصور بن یزید بن منصور بجای او حکومت محمد بن فضل در موصل و وفات شیبان عبدالرحمن ابو معویب النخعی
 الخوی عبدالعزیز بن عبدالله بن ابی سلمة الماجشون و وفات عیسی بن علی بن عبدالله بن عباس عم منصور و بعضی فون

عیسی در سال قبل نوشته اند **امروپا** (اسپانول) جنکهای موالی عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانول را که با
(سطنطنیه) فوٹا پراطور لئون چهارم و سلطنت سطنطنیه پیرا و در سن نه سالگی (فرانک) غلبه شارلن بر
طایفه ساکن

سده هجری **سده سی**

اسیاء غزل خلف بن عبدالله ازنی و نصب علی بن موالی جعفر بجای حکومتان از موالی مهدی در ساق و حلب
و بحرین و عمان و کسکر و هواز و فارس و کرمان حکومت احمد بن اسمعیل بن علی بن عبدالله بن عباس در موصل و فاک
بزید بن منصور بن عبدالله بن بزید بن شهر بن شوبان اولاد شهر ذوالجناح حمیر خال مهدی که حکومت بن و بصره
داشت و فاک فح بن و شاح الموصلی از اهدا مروپا مروپا پیر مهک از بغداد فسون اسلام را نا حوالی سطنطنیه
آورده این مادر سطنطنیه پنجم که بنای سلطنت پیر صغیر خود را داشت خراج کلارد و هرون مظفر منصور را
کرد

سده هجری **سده سی**

اسیاء دادن مهدی و کاتب عهد را هر دو که بعد از موسی هادی او و بعد با شد و حلیف کردن او را بر شید غضب
کردن مهک بر وزیر خود یعقوب بن اود بن طهمان و گرفتن و حبس کردن او و یعقوب قبل از و زارت مهک منشی نصر بن
ستار بود و پس از نصر چندی بکار میگذرانید تا با ایفهام رسید با کلمه در حبس بود تا زمان هرون که از حبس خلاص
شده بگریخت و در آنجا در گذشت و فتن مهک میرجان و دادن فضاوت انولانت با بی یوسف وضع چایار مبانه مکه
و مدینه تا مهک حکومت فضل بر سلیمان طوسی مکتی بابی العباس در خراسان و سجستان که تمام بن سعد بن دعلج را در سجستان
نایب الحکومه خود کرد حکومت ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس در مدینه غزل منصور بن بزید بن منصور بن نصب
عبدالله بن سلیمان التبعی بجای او حکومت فراموش از موالی مهدی برد ماوند و قومس کشته شدن بشار بن برد الشاسر
امری بواسطه زندفر **امروپا** (اسپانول) کشتن عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانول برادرزاده خود مغیره بن ولید بن
معاویه بن هشام را ایسیا بنکه با جمعی در خلع عبدالرحمن منقوشه بود

سده هجری **سده سی**

اسیاء رفتن موسی هادی بالشکر چار و تهیه نهاد میرجان برای بخاریه و نداد هر فرزند و بن حکمرانان طبرستان و خلاص
کردن عساکر موسی هادی حکمرانان مشارالیه با او فاک عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادرزاده سقاج
منصور و این انکی است که سقاج وصیت کرده بود بعد از منصور او خلیفه باشد منصور او را خلع کرده مهک را و بعد
نموز یاد کردن مهک در مسجد الحرام و مسجد رسول الله غزل کردن مهک با عبدالله بن معاویه بن عبدالله را از دیوان
رسائل و استقرار ربع بجای او بر و زو باد ریسر و بغداد و شوع سرفر شد پیمان مردم غزل چوی حرقه از طبرستان
و دیوان و نصب عمر بن العلاء بجای او و کاتب فراموش از موالی مهک در جرجان در روز سیم ذیحجه اینسال بگردنا صغیر
از روز گذشته دینا مارک بود و فاک ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس حاکم مدینه بعد از فرایغ او از حج حکومت
با فتن اسحق بن عیسی بن علی بجای او و فاک جعفر احرار و شبیه حسن بزجاج بن جوی که شیعه و عابد بود

سده هجری **سده سی**

اسیاء فرستادن مهدی سعید حرشی با چهل هزار نفر فسون طبرستان و فاک حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب